

210-239

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 210Date of filing: 24/10/1991** AWARD

- Type of Award Award
 - Date of Award 29 oct 91
— pages in English

70 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____

_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

CASE NO. 210

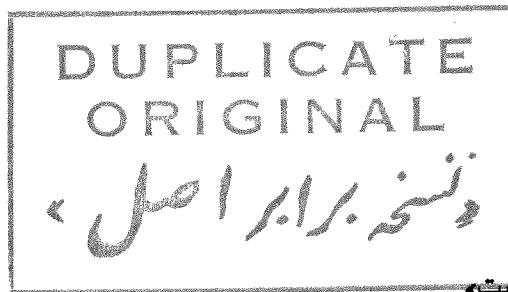
CHAMBER THREE

AWARD NO. 520-210-3

پرونده شماره ۲۱۰

شعبه سه

حکم شماره ۵۲۰-۲۱۰-۳



ویلیام جی. لویس،

خواهان،

- ۹ -

جمهوری اسلامی ایران،

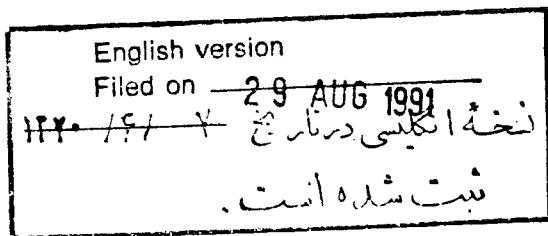
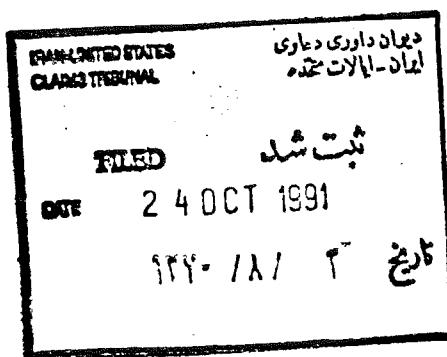
وزارت کشاورزی و

منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران،

شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان و

بانک ملی ایران،

خواندگان.

حکم

حاضران :

از طرف خواهان: آقای ویلیام جی. لویت،
خواهان،
آقای الن وایتس،
آقای جان گرابو،
وکلای خواهان،
خانم لورا مارشال،
دستیار وکلای خواهان،
آقای رالف دلا راتا،
گواه.

از طرف خواندگان: آقای علی حیرانی نوبری،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
دکتر محمد تقی نادری،
مشاور حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای کرمعلی کمایستانی،
دستیار حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
دکتر محمد تهرانی،
وکيل وزارت كشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران
و شركت كشت و صنعت و دامپروری مغان،
آقای محمد علی اخوتی،
نماینده و مشاور حقوقی وزارت كشاورزی و منابع طبیعی
جمهوری اسلامی ایران و شركت كشت و صنعت و دامپروری مغان،
خانم نرگس اسفندیاری،
نماینده بانک ملي ایران،

آقای ایرج رضایی،

آقای لطیف فتحی،

گواهان.

سایر حاضران:

خانم لوسى اف. رید،

جانشین نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا،

آقای مایکل اف. رابوین،

قائم مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا.

فهرست مطالب

شماره بند

۱

یک - مقدمه

۴

دو - جریان رسیدگی

۴

(الف) تاریخچه

۲۷

(ب) قابلیت پذیرش مدارک معارض

۲۹

(ج) دادخواست متقابل ناشی از ضمانتنامه بانکی

(د) ادعای متقابل بابت مالیات، که در ۱۸ اسفندماه ۱۳۶۲

۳۱

[هشتم مارس ۱۹۸۴] ثبت گردید

۳۴

سه - صلاحیت

۴۴

(الف) خواهان

۴۵

(ب) خواندگان

۴۸

(ج) قید حل اختلاف

۴۰

چهار - ماهیت

۴۰

(الف) اظهارات طرفین

۴۰

(یک) مقدمه

۴۲

(دو) خواهان

۴۷

(سه) خواندگان

۵۶

(ب) ارائه اسناد

۶۷

(ج) یافته‌های دیوان

۶۷	(یک) فسخ قرارداد
۷۳	(دو) پیامدهای فورسماژور
۷۷	(سه) شروط قرارداد
۸۷	(چهار) تاریخچه اجرای قرارداد
۹۹	(پنج) ارزیابی دیوان

۱۰۰	(۱) ملاحظاتی که به نفع موضع خواهان است
۱۰۹	(۲) ملاحظاتی که به نفع موضع خوادگان است
۱۱۸	(۳) نتیجه‌گیریهای دیوان

۱۲۵	پنج - هزینه‌ها
-----	----------------

۱۲۸	شش - حکم
-----	----------

یک - مقدمه

- ۱ - خواهان، ویلیام جی. لویت (اختصاراً "لویت" یا "خواهان") یک پیمانکار ساختمانی امریکایی است. وی از جانب یک شرکت باهامانی موسوم به اینترنشنال کانستراکشن کامپنی (ایران) لیمیتد (اختصاراً "آی‌سی‌سی" یا "پیمانکار") که حسب ادعا به وی تعلق دارد، ادعایی طرح کرده است. خواندگان عبارتند از جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، وزارت کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران ("وزارت کشاورزی")، شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان ("مغان" یا "کارفرما") و بانک ملی ایران ("بانک ملی") (که مجتمعاً "خواندگان" نامیده می‌شوند).
- ۲ - در سال ۱۹۷۷ آی‌سی‌سی به منظور احداث یک شبکه آبیاری در طرح مغان واقع در شمال ایران، قراردادی ("پیمان") با شرکت مغان منعقد کرد. آی‌سی‌سی برای تضمین قرارداد، ضمانتنامه‌های حسن انجام کاری که متقابلاً با اعتبارات اسنادی تضمین شده بودند ارائه کرد. خواهان اظهار می‌دارد هنگامی که اوضاع عمومی ایران در نوامبر ۱۹۷۹ آی‌سی‌سی را وادار کرد که از طرح کنار رود، با وجود سوء مدیریت از ناحیه مغان، ناآرامیهای داخلی، اخراج کارگران خارجی، اعتصابات و سفارش انجام کارهای اضافی از ناحیه مغان، آی‌سی‌سی قسمت عمده کار موضوع قرارداد را به پایان رسانده بود، ولی مغان با عدم قبول کار تحویل شده و خودداری از پرداخت بابت آن، تعهدات قراردادی خود را نقض کرد. خواهان بابت کارهایی که حسب ادعا مغان وجه آنها را پرداخت نکرده، از جمله برخی کارهای اضافی انجام شده، و نیز بابت وسایلی که حسب ادعا ایران آنها را مصادره کرده، غرامت مطالبه می‌کند. خواهان همچنین آزاد شدن اعتبارات اسنادی که مغان وجه آنها را مطالبه کرده و متعاقباً مسدود شدند و نیز مبلغی را که طبق قرارداد از صورتحسابهای پرداختی به خواهان کسر و

برداشت گردیده، مطالبه می‌کند. خواهان کلا" مبلغ ۴۰۶۵،۲۰۹/۲۳ دلار* خسارت به علاوه هزینه دادرسی و بهره مطالبه می‌کند.(۱)

۳ - خوادگان هرگونه مسئولیتی را انکار و اظهار می‌کنند که نقص کنده قرارداد آی‌سی‌سی است، زیرا کار را به جای آنکه در آوریل ۱۹۷۸ تمام کند در ۱۹۸۱ به پایان رساند. خوادگان همچنین اظهار می‌دارند که کار انجام شده توسط آی‌سی‌سی ناقص بوده و مغان بابت هزینه‌هایی که خود آی‌سی‌سی باید متقبل می‌شد، مبلغ ۳۲،۱۵۲،۲۵۲/- ریال پرداخت کرده است و تauxir آی‌سی‌سی در اجرای کار به درختانی که مغان غرس کرده آسیب رسانده و مغان ذیحق به دریافت وجوده اعتبارات استنادی مسدود شده است. خوادگان ادعاهای متقابلی به مبلغ ۷۰،۶۹۵،۰۵۵/- ریال بابت اضافه پرداختی به آی‌سی‌سی و مبلغ ۷۴،۲۵۷،۹۷۴/- ریال بابت خسارات ناشی از نحوه اجرای کار توسط آی‌سی‌سی و مبلغ ۴۲،۲۴۰،۰۵۰/- ریال بابت مالیات‌هایی که آی‌سی‌سی حسب ادعا بدھکار است اقامه کرده‌اند.

دو - جزیان رسیدگی

(الف) - تاریخچه

۴ - گردش کار این پرونده طولانی و شامل یک سلسله دستورهایی است که دیوان صادر و طی آنها از خوادگان درخواست ارائه مدارک کرده است. دستورها از

* کلیه مبالغ دلاری مندرج در حکم حاضر، به دلار امریکاست.

(۱) خواهان بدوا" دست کم ۸،۵۰۰،۰۰۰ دلار به علاوه هزینه و بهره مطالبه کرده بود.

دادخواست خواهان ناشی می‌شود که در ۲۱ دیماه ۱۳۶۰ [۱۱ ژانویه ۱۹۸۲] به ثبت رسید. در دادخواست مزبور خواهان اظهار داشته است که در اواخر سال ۱۹۷۹ دفتر آی‌سی‌سی در تهران مورد تاراج افرادی قرار گرفت که "یا به دستور و یا با رضایت ضمنی خواندگان عمل می‌کردند". خواهان می‌گوید که کلیه اسناد و مدارک و صورتحسابهای بانکی در آن حادثه معدوم یا توقيف شدن. طبق اظهار خواهان، در نتیجه آن حادثه، کپی قراردادها، اسناد بانکی و سایر مدارک مربوطه را نه وی در اختیار دارد و نه آی‌سی‌سی، ولی می‌گوید که خواندگان به اسناد توقيف شده دسترسی دارند.

۵ - در دهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ [۳۰ آوریل ۱۹۸۲] خواندگان لوایح دفاعیه و ادعای متقابل خود را به ثبت رسانند. خواهان طی درخواستی که در ۱۸ خداداده ۱۳۶۱ [هشتم ژوئن ۱۹۸۲] به ثبت رساند، خاطرنشان کرد که خواندگان ضمائم مورد اشاره در متن دادخواست متقابل خود را به ثبت نرسانده‌اند. دیوان طی دستور مورخ ۲۵ خداداده ۱۳۶۱ [۱۵ ژوئن ۱۹۸۲] از خواندگان خواست اسنادی را که تسلیم نکرده‌اند، به ثبت رسانند. در تاریخ چهارم مرداداده ۱۳۶۱ [۲۶ ژوئیه ۱۹۸۲] خواندگان سندی به ثبت رسانند که حسب ادعا حاوی کلیه ضمائم و مستندات مربوط به پرونده بود.

۶ - در ۱۵ شهریور ماه ۱۳۶۱ [ششم سپتامبر ۱۹۸۲] خواهان علاوه بر دفاعیه مختصری در برابر دادخواست متقابل خواندگان، درخواستی برای تأمین دلیل به ثبت رساند و اظهار داشت که "به طوری که از دفاعیه و دادخواست متقابل خواندگان و ضمائم آن مشاهده می‌شود، خواندگان بسیاری از اسنادی را که در پرونده حاضر حائز اهمیت است و شاید کلیه آن اسناد را در اختیار دارند". خواهان همچنین اظهار داشت که "طی مذاکراتی که بین لویت و نماینده خواندگان در اکتبر ۱۹۸۱ صورت گرفت خواندگان وعده دادند که کپی قرارداد و کلیه اسناد مربوطه دیگر را در اسرع وقت

در اختیار لویت قرار دهند." دیوان طی دستور مورخ اول مهرماه ۱۳۶۱ [۲۳] سپتامبر ۱۹۸۲] برنامه استماع مقدماتی را تعیین نمود و به خوادگان دستور داد که "قرارداد مورد نظر و مستندات و ضایعات خوانایی" تسلیم نمایند. دیوان همچنین از خوادگان خواست که "جهت پاسخگویی به درخواست خواهان در مورد ارائه مدارک در جلسه استماع مقدماتی آمادگی داشته باشد."

۷ - جلسه استماع مقدماتی در ۲۰ مهرماه ۱۳۶۱ [۱۲ اکتبر ۱۹۸۲] تشکیل گردید. در دهم آبانماه ۱۳۶۱ [اول نوامبر ۱۹۸۲] خواهان گزارشی درباره جلسه به ثبت رساند. در گزارش اظهار شده است که طی جلسه‌ای که بعداً به پیشنهاد دیوان تشکیل شد، وکیل خواهان فهرست اسناد مورد نظر خواهان را که اکثر آنها در لوایح خوادگان مورد اشاره واقع شده بود و برخی از آنها حسب ادعا در جلسه مذبور در اختیار آنها بوده، به وکیل خوادگان ارائه داد. در گزارش همچنین اشعار شده است که وکیل خوادگان وعده داد که وزارت کشاورزی "کلیه اسناد موجود مورد درخواست در بندهای ۱-۹ و ۱۱-۱۲ را ارائه دهد."

۸ - در تاریخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] دیوان دستوری برای ارائه مدارک صادر کرده از وزارت کشاورزی خواست که مدارکی ازجمله "کلیه اسناد مندرج در پیوست الف این دستور را که در اظهاریه‌های خوانده در پیوست مذبور مورد اشاره قرار گرفته... تسلیم نماید." در دستور همچنین ارائه اسنادی ازجمله، (۱) "کلیه قراردادها و صورتمجسسهای تنظیمی بین طرفین، منجمله ولی نه فقط..." (با ذکر نام چند سند) و (۲) "کلیه صورتمجسسهات مربوط به جلساتی که طرفین بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۱ تشکیل دادند منجمله، ولی نه منحصر" در ... (با ذکر بعضی جلسات و تاریخ آنها) و (۳) "کلیه مکاتبات بین طرفین... منجمله ولی نه منحصر..." (با ذکر چند مورد مکاتبه) درخواست شده بود.

۹ - در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۱ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۳] خواهان شهادت‌نامه‌ای با چند مدرک دیگر مربوط به تعلق آئی‌سی‌سی به خود به ثبت رساند.

۱۰ - در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۶۱ [۱۶ مارس ۱۹۸۳] خواندگان پاسخ خود را به دستور ارائه مدارک به ثبت رساندند. پاسخ آنان حاوی نسخه‌ای از قرارداد و چند پیوست جدید بود، به علاوه ضمایمی که خواندگان قبله با لایحه مورخ چهارم مرداد ماه ۱۳۶۱ [۲۶ ژوئیه ۱۹۸۲] خود به ثبت رسانده بودند. پاسخ مذبور همچنین حاوی اظهارنظر کلی زیر درباره دستور بود:

به طور کلی تا زمانی که خواهان به طور منجز و مشخص شماره نامه‌ها و یا مدارک و اسناد مورد تقاضای خود و همچنین موضوع آن را اعلام نکند امکان پاسخ به آن مقدور نمی‌باشد (آنهم در صورتی که مدارک و اسناد مرتبط با خوانده باشد و در دسترس باشد) مثل اینکه در ردیف اصلی ۱ و یا ۲ و ۳-۴-۶-۷-۸-۹ علی‌الخصوص ۹ و ۱۲ می‌نویسد کلیه اسناد و مدارک و یا کلیه گزارشات وضعیت ماهیانه و یا کلیه سوابق معاملات بانکی وزارت کشاورزی و بانک را برای دریافت و پرداختها به خواهان ارائه گردد آیا اجابت چنین تقاضایی برای آن هیئت دادرسان محترم معقول می‌باشد زیرا که با چنین وضعیتی خوانده باید یک اداره‌ای تشکیل و تعدادی کارمند استخدام نماید که در مدت طولانی نسبت به مطالعه سوابق خود اقدام و مدارک مورد نیاز خواهان را که هیچگونه حقی به آنها ندارد استخراج و در اختیارشان فرار دهد.

۱۱ - در تاریخ ۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۲ [هفتم آوریل ۱۹۸۳] قائم مقام نماینده رابط ایران درخواستی به منظور تمدید مهلت تسلیم جوابیه دیگری به دستور ارائه مدارک به ثبت رساند و توضیح داد که خوانده "در مقام اجرای دستور دادگاه... بوده، ولی به سبب مشکلات موجود نتوانسته است نتیجه اقدامات خود را اعلام دارد". دیوان در ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۲ [۱۹ آوریل ۱۹۸۳] با این درخواست موافقت کرد.

۱۲ - در پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [۲۵ آوریل ۱۹۸۳] خواهان درخواستی به ثبت رساند و از دیوان تقاضا کرد به خواندگان دستور دهد که مقاد دستور دیوان را دایر

بر ارائه مدارک به طور کامل اجرا نمایند. خواهان درخواست خود را در ۱۹ خردادماه ۱۳۶۲ [نهم ژوئن ۱۹۸۳] تکرار کرد. در تاریخ ۳۰ خردادماه ۱۳۶۲ [۲۰ ژوئن ۱۹۸۳] دیوان با تذکر این نکته که "در ۲۵ اسفندماه ۱۳۶۱ [۱۶ مارس ۱۹۸۳] خواندگان ضمن ثبت بخشی از مطالب و مدارک خواسته شده اظهار داشتند که قادر نیستند به طور کامل دستور مورخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] دیوان را اجرا نمایند" به خواندگان دستور داد "اسناد و مدارکی را که تاکنون طبق دستور مورخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] تسلیم نداشته‌اند تا آنجا که چنین مدارکی در دسترس یا در اختیار آنان باشد"، به ثبت رسانند. در تاریخ ششم مهرماه ۱۳۶۲ [۲۸ سپتامبر ۱۹۸۳] نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران اظهاریه‌ای به ثبت رساند دایر بر اینکه "طبق اطلاع و اصله از وزارت کشاورزی با وجود تحقیقات انجام شده و اقدامات به عمل آمده، وزارت مذکور نتوانسته است اسنادی غیر از آنچه که قبله" به ثبت رسیده است به دست آورد".

۱۳ - در ۲۶ مهرماه ۱۳۶۲ [۱۸ اکتبر ۱۹۸۳] خواهان از دیوان درخواست کرد به خواندگان دستور دهد اقداماتی را که برای اجرای دستور دیوان دایر بر ارائه اسناد و مدارک معمول داشته‌اند مشخص نمایند. خواهان متذکر گردید که "وزارت کشاورزی از کلیه جهات از اجرای دستور دادگاه داوری سریچی و مضافا" از توضیح درباره دلایل سریچی خود خودداری کرده است.

۱۴ - در تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۶۲ [۲۱ اکتبر ۱۹۸۳] بانک ملی لایحه خود را به ثبت رساند. در دهم آبانماه ۱۳۶۲ [اول نوامبر ۱۹۸۳] وزارت کشاورزی و مغان لایحه مشترکی به ثبت رساندند.

۱۵ - در تاریخ ۱۲ آبانماه ۱۳۶۲ [سوم نوامبر ۱۹۸۳] دیوان دستور دیگری راجع به ارائه اسناد توسط خواندگان صادر کرد و پس از مرور کلی به دستورها و پاسخهای

گذشته نتیجه گرفت که "توضیحات وزارت کشاورزی طی نامه‌های مورخ ششم مهرماه ۱۳۶۲ [۲۸ سپتامبر ۱۹۸۳] و دهم آبانماه ۱۳۶۲ [اول نوامبر ۱۹۸۳] دلیل کافی به دست نمی‌دهد که برمبانی آن بتوان تشخیص داد که قصور وزارت کشاورزی در ارائه اسناد و مدارک مذکور تحت این اوضاع و احوال موجه بوده است یا خیر." دیوان به وزارت کشاورزی دستور داد که به هر یک از مطالب مندرج در دستور مورخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] جداگانه پاسخ دهد و اضافه نمود که

هر کدام از پاسخهای جداگانه باید بر حسب مطلب اصلی یا فرعی مشخص، شماره‌گذاری و جدول بندی شود تا کار بررسی تعیین حدود رعایت مقاد دستور مورخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] دیوان، تسهیل گردد... لازم است هر کدام از پاسخهای جداگانه یا شامل اسناد و مدارک مندرج در فهرست باشد (ولو اینکه قبل "هم به ثبت رسیده" و یا باید کاملاً" دلایل عدم تسلیم هر سند معینی را توضیح دهد".

۱۶ - در ۱۸ آبانماه ۱۳۶۲ [نهم نوامبر ۱۹۸۳] وزارت کشاورزی لایحه‌ای به ثبت رساند و در مورد ارائه مدارک متذکر شد که تاکنون "نهایت همکاری را انجام داده" و کلیه اسناد موجود مورد درخواست خواهان را تسلیم کرده است.

۱۷ - در تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۶۲ [نهم ژانویه ۱۹۸۴] وزارت کشاورزی پاسخ خود را به دستور مورخ ۱۲ آبانماه ۱۳۶۲ [سوم نوامبر ۱۹۸۳] دیوان به ثبت رساند و طی آن اظهار داشت که مقاد دستور مورخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] دیوان را اجرا کرده، و توضیحات مختلفی نیز درباره مطالب مورد درخواست دیوان داد. در مورد مکاتبات مورد درخواست، وزارت کشاورزی اعلام داشت که:

امکان اکتشاف و در دسترس قرار دادن "کلیه مراحلات فیما بین آی سی سی و وزارت کشاورزی در فاصله ۱۹۷۷ و ۱۹۸۱ در مورد پروژه مزبور" بسیار نامفهوم است و مدارک و اسنادی که در اختیار بوده همین مدارکی است که در بندهای الف و ب و ج و د و ه- تهیه و برای اطلاع و استفاده خواهان در اختیار دیوان قرار گرفت. اگر خواهان مجدداً احتیاج به مدارک و اسناد جدید دیگری دارد باید شماره و تاریخ مراحله را یا حداقل موضوع آن را مشخص و معین کند و یا فرضاً بگوید نامه‌ای که پیمانکار به کارفرما در مورد

یک موضوع معین نوشته است مورد نیاز است که بتوان با توجه به مفاد آن در صورت امکان و تفحص جمع آوری و تقدیم [نمود].

وزارت کشاورزی لایحه دیگری در ۱۸ اسفندماه ۱۳۶۲ [هشتم مارس ۱۹۸۴] به ثبت رساند و ضمن آن اظهار داشت که اسناد دیگری در اختیار ندارد. این لایحه شامل ادعای متقابلی بابت مالیات نیز بود.

۱۸ - در ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۶ مارس ۱۹۸۴] ایران لایحه‌ای درباره صلاحیت دیوان به ثبت رساند.

۱۹ - در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶] خواندگان [سندي تحت عنوان] "ادعای متقابل ناشی از ضمانتنامه" به ثبت رسانند. وضعیت شکلی این ادعای متقابل در بندهای ۲۹ و ۳۰ این حکم مورد بحث قرار گرفته است.

۲۰ - خواهان طی درخواستی که در ۲۱ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۲ اوت ۱۹۸۶] به ثبت رسید، مجدداً از دیوان تقاضا کرد از خواندگان بخواهد که دستورهای دیوان را دائر بر ارائه اسناد اجرا نمایند. وی همچنین اظهار داشت هنگامی که بنیاد مستضعفان در هشتم مردادماه ۱۳۶۱ [۳۰ ژوئیه ۱۹۸۲] بروندۀ‌های وکیل آی‌سی‌سی را در تهران توقیف کرد، مدارک دیگری در ارتباط با آی‌سی‌سی ضبط گردید. خواهان شهادت‌نامه‌ای از وکیل ایرانی آی‌سی‌سی در این مورد به درخواست خود منضم و استدلال کرده است که خواندگان باید این بروندۀ‌ها را نیز ارائه دهند. خواندگان طی اظهاریه‌ای که در ۲۸ شهریورماه ۱۳۶۵ [۱۹ سپتامبر ۱۹۸۶] به ثبت رسانند، به درخواست خواهان اعتراض کردند و خواهان طی پاسخی که در دوم آبانماه ۱۳۶۵ [۲۴ اکتبر ۱۹۸۶] به ثبت رسید، این مطلب را تکرار کرد.

۲۱ - دیوان آخرین دستور خود را در مورد ارائه اسناد در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۶ [۳۱] مارس ۱۹۸۷] صادر کرد که در قسمتی از آن اعلام شده است:

دیوان پس از بررسی مدارک و توضیحاتی که وزارتخانه ارائه داشته و با توجه به اظهارات طرفین در ارتباط با آنها نتیجه می‌گیرد که وزارتخانه دستور مورخ ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۶۲ [سوم نوامبر ۱۹۸۳] دیوان را کاملاً "اجرا نکرده و بنابراین وزارتخانه باید تا تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [پنجم مه ۱۹۸۷]:

اول - یا مدارک مشروح در ذیل را تسلیم نماید یا توضیح دهد که به چه دلیل نمی‌تواند برخی از مدارک را تسلیم نماید.

دوم - برخی از موارد ناهمانگی اظهارات خویش را که ذیلاً ذکر می‌گردد روشن سازد.

علاوه بر آن، در دستور مزبور مشخصاً "از خواندگان خواسته شده است که مدارکی از جمله، نسخ هفت صورتجلسه، تعدادی نامه و مکاتبات دیگر و سوابق پرداخت را که کلیه آنها در پیوستهای قبلی تسلیمی خواندگان مورد اشاره واقع شده است، تسلیم نمایند. بالاخره، نظر به اینکه بنیاد مستضعفان طرف پرونده حاضر نیست، دیوان با درخواست خواهان راجع به پرونده‌هایی که حسب ادعا بنیاد مستضعفان ضبط نموده، موافقت نکرد.

۲۲ - در پنجم خردادماه ۱۳۶۶ [۲۶ مه ۱۹۸۷] خواندگان پاسخی راجع به دستور مورخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۶ [۳۱ مارس ۱۹۸۷] به ثبت رساندند و در قسمت ذیربخط آن اشعار داشتند که دستورهای دیوان را دائز بر ارائه اسناد دقیقاً "اجرا نموده، کلیه صورتجلسات و نامه‌های درخواستی دیوان را تسلیم و کلیه مدارک بانکی وزارت کشاورزی را در ارتباط با پروژه ارائه کرده‌اند و ارائه مدارکی غیر از آنچه که تاکنون ارسال و در دیوان ثبت شده برای خواندگان تکلیف مالابطاق است. در مورد بخشname مورخ ۲۱ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۹] که مورد درخواست دیوان بود، خواندگان اشعار داشتند:

باتوجه به اینکه در لیست ضمیمه الف دستور مورخ ۲۴ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۲] چنین درخواستی از طرف خواهان [ارائه] نگردیده بوده تا بر اساس آن دستوری از طرف دادگاه صادر شود، بنا براین این خواسته در حال حاضر و بعد از دستور دادگاه مطرح شده است، لذا همانطور که ملاحظه می‌فرمایید در این قسمت هم دستوری وجود نداشته که خواهان به آن استناد می‌نماید".

۲۳ - در ششم اسفندماه ۱۳۶۶ [۲۵ فوریه ۱۹۸۸] دیوان با توجه به پاسخ خواندگان به دستور مورخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۶ [۳۱ مارس ۱۹۸۷] دستوری برای تعیین برنامه رسیدگی‌های بعدی پرونده صادر نمود. بررسی دیوان درباره پاسخهایی که خواندگان به دستورهای ارائه استناد داده‌اند، تواعم با بررسی ماهیت پرونده حاضر، صورت گرفته است. رجوع شود به: بندهای ۶۶ - ۵۶ این حکم.

۲۴ - در چهارم خردادماه ۱۳۶۷ [۲۵ مه ۱۹۸۸] خواهان لایحه استماعی به ثبت رساند که شهادتنامه خود وی و مستنداتی ضمیمه آن بود. در دهم اسفندماه ۱۳۶۷ [اول مارس ۱۹۸۹] وزارت کشاورزی لایحه‌ای به ثبت رساند.

۲۵ - خواهان و ایران هر یک لایحه معارضی در تاریخ هشتم خردادماه ۱۳۶۸ [۲۹ مه ۱۹۸۹] به ثبت رساندند. از آنجا که دیوان قبلاً "اعلام کرده بود که در نظر ندارد مهلت اعطایی را بعداً تمدید کند، لذا طی دستور مورخ بیستم تیرماه ۱۳۶۸ [۱۱ ژوئیه ۱۹۸۹] درخواست سایر خواندگان را برای تمدید مهلت رد کرد و از آنان خواست که لواح معارضی بی‌درنگ تسلیم نمایند. در ششم مهرماه ۱۳۶۸ [۲۸ سپتامبر ۱۹۸۹] بانک ملی نظرات معارض و در ۱۷ مهرماه ۱۳۶۸ [نهم اکتبر ۱۹۸۹] وزارت کشاورزی پاسخ خود را به لایحه معارض خواهان به ثبت رساندند. دیوان تصمیم گرفته است که دو لایحه اخیرالذکر را نپذیرد، زیرا ثبت آنها تخلف از برنامه مقرر در دستور مورخ بیستم تیرماه ۱۳۶۸ [۱۱ ژوئیه ۱۹۸۹] محسوب می‌شود و منظور از آنها پاسخ به لایحه معارض خواهان بوده است. در جلسه

استماع، تصمیم دیوان به اطلاع طرفین رسید.

۲۶ - جلسه استماع پرونده در نهم اسفندماه ۱۳۶۸ [۲۸ فوریه ۱۹۹۰] تشکیل گردید.

(ب) - قابلیت پذیرش مدارک معارض

۲۷ - در پنجم بهمن ماه ۱۳۶۸ [۲۵ ژانویه ۱۹۹۰] خواهان، آقای آر. دلا راتا را به عنوان شاهد تعیین کرد. خواندگان در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۸ [۱۶ فوریه ۱۹۹۰] اطلاعیه‌ای به ثبت رسانده آقایان ایرج رضایی و لطیف فتحی را به عنوان "شهود معارض" تعیین کردند. طبق بند ۲ ماده ۲۵ قواعد دیوان، معرفی شهود باید حداقل ۳۰ روز قبل از جلسه استماع صورت گیرد، ولی تبصره ۲ این ماده، استثنایی به شرح زیر در مورد شهود معارض قابل شده است:

اطلاعات مربوط به شهود... در مورد شهودی که هر طرف داوری به منظور رد مستندات ارائه شده توسط طرف دیگر بعده" معرفی خواهد گرد، ضرورت ندارد. با اینحال، اطلاعات مربوط به شاهد معارض باید با در نظر گرفتن حداقل فرصت مناسب پیش از استماع شاهد به اطلاع... برسد.

۲۸ - دیوان در حکم خود در دعوای دیگری که خواهان اقامه کرده، یعنی حکم شماره ۲۹۷-۲۰۹-۱ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷]، در پرونده ولیام جی. لویت و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، بند ۲۳ چاپ شده در ۱۹۷-۹۸ Iran-U.S. C.T.R. 191, 14 ("پرونده اول لویت") متذکر گردید که این مورد استثنایی تنها در مورد شهودی صادق است که برای رد ادله ارائه شده توسط طرف دیگر در جلسه استماع یا در تاریخی آنچنان نزدیک به جلسه استماع معرفی شوند که رعایت مهلت عادی ارائه اطلاعیه غیر ممکن گردد. نظر به اینکه دیوان شرط مزبور را ایفا شده می‌داند، لذا شهادت آقایان رضایی و فتحی را برای ثبت در پرونده می‌پذیرد.

(ج) - دادخواست متقابل ناشی از ضمانتنامه بانکی

۲۹ - در آوریل ۱۹۸۱ بانک ملی وجه دو فقره اعتبار استنادی صادره در این پرونده را مطالبه کرد. در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [هشتم مه ۱۹۸۱] وزارت خزانه‌داری ایالات متحده پروانه‌ای برای مسدود نمودن دو اعتبار استنادی مذکور برای آئی‌سی‌سی صادر نمود. بانک ملی متعاقباً "ادعایی برای آزاد کردن آنها به دیوان تسلیم کرد که به عنوان پرونده‌های شماره ۵۱۳ و ۵۵۰ مطروح در شعبه یک به ثبت رسید. شعبه یک طی دستورهایی که در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [۲۴ آوریل ۱۹۸۵] صادر کرد مقرر داشت که بانک ملی باید تقاضا کند که ادعای وی بابت آزاد کردن اعتبارات استنادی، به عنوان ادعای متقابل به پرونده مربوط به قراردادی که اعتبارات استنادی به آن مربوط می‌شود، یعنی پرونده شماره ۲۱۰ ادغام گردد. دستور مجبور پیرو حکم شماره ۵۹۱/۵۸۲/۱۶-۱۶الف - ۱۰۸ دیوان عمومی صادر گردید که در تاریخ سوم آبانماه ۱۳۶۲ [۲۵ اکتبر ۱۹۸۳] توسط دیوان عمومی صادر شده بود. در ۲۵ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۶ اوت ۱۹۸۵] شعبه یک به طرفین پرونده‌های شماره ۵۱۳ و ۵۵۰ اطلاع داد که چنین درخواستی باید "به موقع و حداقل ظرف شش ماه از تاریخ این اطلاعیه به ثبت رسد".

۳۰ - خواندگان در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶] دادخواست متقابلي ناشی از ضمانتنامه بانکي را در پرونده حاضر به ثبت رساندند و آزاد شدن اعتبارات استنادی را درخواست کردند. دیوان طی دستور مورخ ششم اسفندماه ۱۳۶۶ [۲۵ فوریه ۱۹۸۸] با عنایت به نظرات طرفین که در سوم شهریورماه ۱۳۶۵ [۲۵ اوت ۱۹۸۶] و ۲۸ بهمنماه ۱۳۶۵ [۱۷ فوریه ۱۹۸۷] تسلیم شده بود، نظر داد که "درخواست مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶] خواندگان با تأخیر تسلیم شده و قابل قبول نیست".

(د) - ادعای متقابل بابت مالیات که در تاریخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۶۲ [هشتم مارس ۱۹۸۴] ثبت گردید

۳۱ - خواهان اظهار داشته است که ادعای متقابل خواندگان بابت مالیات که با لایحه مورخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۶۲ [هشتم مارس ۱۹۸۴] آنان تسلیم گردیده، به موقع طرح نشده است. خواهان می‌گوید که به ویژه با توجه به قصور خواندگان در پاسخ به دستورهای دیوان دایر بر ارائه استناد، پذیرش این ادعای متقابل به شدت به موضع وی لطمه خواهد زد. وزارت کشاورزی در پاسخ به این ایراد توضیح داده است که ادعای متقابل بابت مالیات به آن دلیل همراه با سایر ادعاهای متقابل خواندگان به ثبت نرسید که در آن زمان هنوز وزارت دارای آن مالیاتها را مطالبه نکرده بود. ایران اضافه کرده است که این امر "ناشی از عمل شرکت خواهان بوده که به موقع دفاتر تجاری خود را به وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران تسلیم نداده است تا میزان مالیات مربوطه روشن گردد".

۳۲ - در بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان قید شده است که طرح ادعای متقابل در لایحه دفاعیه یا در مراحل بعدی جریان داوری امکان پذیر است، مشروط بر اینکه دیوان تشخیص دهد که با توجه به اوضاع و احوال تauxir موجه بوده است. رویه معمول دیوان اینست که برای تعیین مسموع بودن ادعای متقابله که با تauxir به ثبت رسیده، احتمال بی عدالتی نسبت به طرف دیگر و توضیحاتی را که احتمالاً راجع به علت تauxir ارائه شده، مورد بررسی قرار دهد. رجوع شود به: بند ۹۴ حکم شماره ۱۱-۴۰۹-۳۲۳ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] در پرونده هریس اینترنشنال تله کامپونیکیشنز، اینک. و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در ۱7 Iran-U.S. C.T.R. 31,59 .

۳۳ - دیوان در بررسی توضیحی که خواندگان ارائه داده ملاحظه می‌کند که آیسی‌سی

اظهارنامه‌های مالیات بر درآمد سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ را تسلیم کرده است که دو سال اخیر به علاوه سال ۱۹۸۰، سالهای عملکرد مبنای ادعای متقابل را تشکیل می‌دهند. در نامه‌های ارسالی به ضمیمه این اظهارنامه‌ها به مقامات مالیاتی ایران اشعار شده است که آی‌سی‌سی "فهرست تفصیلی حسابهای مذکور در اظهارنامه‌های مالیات بر درآمد" را ضمیمه کرده بوده است. این حسابها و اظهارنامه‌های مالیاتی را خواندگان در پرونده اول لویت تسلیم کرده‌اند و بدین ترتیب، برای تسلیم در پرونده حاضر، آنها را در دسترس خواهان قرار داده‌اند. توضیح خواندگان راجع به تأثیر در ثبت ادعای متقابل با تاریخ برگهای تشخیص مالیاتی که خواندگان ارائه داده‌اند، مغایرت دارد. تاریخ برگ تشخیص مالیات سال ۱۹۷۸، روز ۱۸ خردادماه ۱۳۵۹ [هشتم ژوئن ۱۹۸۰] و تاریخ برگ تشخیص مالیات سال ۱۹۷۹، ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۹ [۱۷ مارس ۱۹۸۱] است. بنابراین خواندگان دلیل موجی برای تأثیر در تسلیم ادعای متقابل مالیاتی خود ارائه نکرده‌اند و درنتیجه، دیوان ناگزیر آن را به دلیل ثبت خارج از موعد رد می‌کند.

سه - صلاحیت

(الف) - خواهان

۳۴ - خواهان اظهار می‌دارد که تبعه ایالات متحده است و در کلیه اوقات ذیربسط به طور مستمر مالک بیش از نود و نه درصد سهام آی‌سی‌سی بوده و طبق بیانیه حل و فصل دعاوی، آی‌سی‌سی به عنوان یک شرکت باهامایی رائساً حق اقامه دعوا را ندارد. خواهان در تأیید این اظهار، مستندات مختلفی تسلیم کرده است. دیوان در پرونده اول لویت نظر داد که مدارک تسلیمی در آن پرونده ثابت کرده است که خواهان "از تاریخ تولد خود در سال ۱۹۰۷ در نیویورک و نیز در تاریخ صدور

گذرنامه کنونی خود، یعنی ۱۳ مردادماه ۱۳۶۱ [چهارم اوت ۱۹۸۲] تبعه ایالات متحده بوده است" و "۴۹۹۶ سهم از تعداد ۵۰۰۰ سهم صادره در ۱۱ دیماه ۱۳۵۵ [اول ژانویه ۱۹۷۷] به نام آقای لویت بوده و نامبرده ناچهارم اسفندماه ۱۳۶۲ [۲۳ فوریه ۱۹۸۴] همین تعداد سهم را همچنان در اختیار داشته است" و آیسیسی در باهاها تشکیل شده و بنابراین حق اقامه دعوا در دیوان ندارد. رجوع شود به: بندهای ۲۵ و ۲۷ حکم شماره ۱۴۷-۲۰۹-۱ در پرونده اول لویت، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 198-99. باتوجه به این یافته‌ها، که مورد ایراد خواندگان واقع نشده، دیوان مقاعد گردیده است که ادعای لویت با شرایط مقرر در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی منطبق می‌باشد.

(ب) - خواندگان

۳۵ - مغان این اظهار خواهان را تکذیب نمی‌کند که مغان به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی یک واحد تحت کنترل دولت ایران است. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند در "کلیات و دستورالعمل‌های شرکت در مناقصه" طرح مغان که خواندگان تسليم کرده‌اند، ذکر شده است که مغان "وابسته به وزارت کشاورزی" است. بنابراین دیوان مقاعد گردیده است که نسبت به مغان صلاحیت دارد.

۳۶ - در مراحل اولیه رسیدگی، وزارت کشاورزی اظهار داشت که ادعای لویت قابل انتساب به آن وزارتخانه نیست، ولی در جلسه استماع اعتراضی به اینکه خوانده واقع شده است نکرد. باتوجه به ذیمدخل بودن وزارت کشاورزی در پروژه که وابستگی مغان به وزارت کشاورزی و تعدادی از اسناد و مدارک موجود در پرونده گویای آنست، دیوان وزارت کشاورزی

را خوانده واقعی پرونده حاضر می‌شناسد.

۳۷ - بانک ملی اظهار داشته است که در این پرونده خوانده واقعی نیست و استدلال می‌کند که "هرگونه ادعایی درباره فسخ یا آزاد نمودن ضمانتنامه‌ها فی الواقع باستی به طرفیت ذینفع و متعهدله عنوان شود، زیرا اختیار فسخ یا آزاد نمودن ضمانتنامه‌های صادره با بانک ملی ایران نمی‌باشد. بنابراین طرح هرگونه ادعا در این باره علیه بانک ملی بی وجه است". دیوان ملاحظه می‌کند که خواسته لویت در مورد اعتبارات اسنادی الزاماً" به بانک ملی که ذینفع آن اعتبارات اسنادی است ارتباط می‌باید و ادعاهای ثبت شده توسط خود بانک ملی در پرونده‌های شماره ۵۱۳ و ۵۵۰ موئید این دخالت است. بنابراین دیوان معتقد است که بانک ملی در این پرونده به حق خوانده نامیده شده است.

(ج) - قید حل اختلاف

۳۸ - خواندگان استدلال می‌کنند که ماده ۵۳ "شرایط عمومی" که جزء لاینفک قرارداد است، مانع اعمال صلاحیت دیوان بر این ادعا می‌باشد. در بخش ذیربسط این ماده در متن اصلی قراردادی که وزارت کشاورزی ارائه داده، مقرر گردیده است که:

"درصورت بروز اختلاف بین کارفرما و پیمانکار... اعم از اینکه مربوط به اجرای عملیات پیمان و یا مربوط به تفسیر و تعبیر هر یک از مواد پیمان و شرایط عمومی و سایر اسناد و مدارک پیوست پیمان باشد چنانچه طرفین نتوانند موضوع اختلاف را از راه توافق رفع نمایند از طریق مراجعت به محکم و مراجع صالحه دادگستری حل و فصل خواهد شد".

۳۹ - به طوری که در پرونده اول لویت مذکور گردید، این مطلب کاملاً پذیرفته شده که برای اینکه قیدی به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، مستثنی از صلاحیت دیوان محسوب شود، لازم است که به موجب شرایط خود، صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد را به طور صریح و بدون ابهام، محدود و منحصر به دادگاههای ایران بنماید. رجوع شود به: بند ۳۰ حکم شماره ۱۴۷-۲۰۹ در پرونده اول لویت، چاپ شده در 199 Iran-U.S. C.T.R. at 14. ماده ۵۳ هم از نظر تحدید اختلافات مربوط به اجرا و تفسیر قرارداد و هم در اشاره به "محاكم و مراجع صالحه دادگستری"، با این ضابطه تطبیق نمی‌کند. در این ماده، انتخاب مرجع رسیدگی لازم خالی از ابهام نیست. مقایسه شود با: ص ۴ قرار اعدادی شماره ۱۵۹-۶ دیوان عمومی، مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] [حکم در مورد صلاحیت] در پرونده فورد ارواسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 268,270 Iran-U.S. C.T.R. 1 و صفحات ۳ و ۴ قرار اعدادی شماره ۳-۶۸ دیوان عمومی، مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] [حکم در مورد صلاحیت] در پرونده هوارد نیدلز تامن اند برگندوف و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 248,250 Iran-U.S. C.T.R. 1. بنابراین دیوان معتقد است که قید حل اختلاف مذبور مانع صلاحیت دیوان بر ادعا نیست.

چهار - ماهیت

(الف) - اظهارات طرفین

(یک) - مقدمه

۴۰ - خواهان عمدتاً "سازنده مجتمع‌های مسکونی" است. تماسهای وی با وزارت مسکن و شهرسازی ایران در سال ۱۹۷۶ به تشکیل آی‌سی‌سی منتهی شد و شرکت مزبور در ژانویه ۱۹۷۸ قراردادی برای احداث ۲۵۰۰ واحد مسکونی با سازمان مسکن ایران منعقد کرد. این قرارداد موضوع پرونده اول لویت است. در ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۶ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۷] آی‌سی‌سی قرارداد [موضوع دعوای حاضر] را برای احداث یک شبکه آبیاری قطره‌ای در زمینی حدوداً "به مساحت ۱۵۰۰ هکتار واقع در طرح کشت و صنعت و دامپوری مغان در نزدیکی تبریز واقع در شمال ایران با مغان امضاء کرد. آبیاری قطره‌ای فنی است برای رساندن آب به نزدیکی ریشه‌های گیاهان با استفاده از لوله‌های آب سطحی و زیر زمینی.

۴۱ - در ماده ۳ قرارداد مبلغ ۷۳۰،۸۱۶،۲۲۴ ریال به عنوان مبلغ اولیه پیمان ذکر شده بود که در صورت افزودن کارهای جدید قابل تعديل بود. طبق قرارداد، در اوایل اکتبر ۱۹۷۷ آی‌سی‌سی ترتیبی فراهم آورد که امریکن اکسپرس اینترنشنال بنکینگ کورپوریشن از طریق بانک ملی سه فقره ضمانتنامه حسن انجام کار که با سه فقره اعتبار استنادی غیر قابل فسخ تضمین می‌شد، به نفع بانک ملی صادر نماید. قرار بود طرح ظرف شش ماه به پایان رسد و مهندسین ناظری که مغان تعیین می‌کرد، بر کار آی‌سی‌سی نظارت نمایند.

(دو) - خواهان

۴۲ - خواهان اظهار می‌دارد که آی‌سی‌سی به کرات با تغییراتی مواجه گردید که خواندگان در مشخصات طرح می‌دادند. وی استدلال می‌کند که این تغییرات مقدار زیادی کار اضافی ایجاد و اتمام طرح را دستخوش تاعیر کرد. وی همچنین اظهار می‌دارد که طرح در اثر کاغذ بازی از ناحیه مغان و دولت دچار تاعیرهایی شد که پیشرفت کار و ورود مصالح لازم را دشوار ساخت. عامل دیگری که طبق اظهار خواهان ایجاد تاعیر کرد، سوء مدیریت و عدم کارآیی از ناحیه مغان بود که لویت سه مورد آن را به عنوان نمونه ذکر کرده است. باوجود اعتراضهای آی‌سی‌سی، مغان درختهای میوه را زودتر از موعد مقرر غرس کرده بود و درنتیجه تعدادی از آن درختها از بین رفته‌اند. لوله‌های آزبستی^{*} که مغان نصب کرده بود ترکیدند. به علاوه، کارمندان مغان پمپهای آب را زودتر از موقع لازم باز کردند و به سیستم لوله کشی آسیب رساندند، به طوری که آی‌سی‌سی مجبور شد بسیاری از آنها را مجدداً بسازد. اغتشاشات داخلی گسترده‌ای که حسب ادعا در مارس ۱۹۷۸ رخ داد موجب تشدید این مشکلات گردید. کارگران مغان اعتصاب کردند و بسیاری از آنها در جریان این شورشها دستگیر شدند.

۴۳ - طبق اظهار خواهان، بعد از ملاقاتهایی بین آی‌سی‌سی و مغان که طی آنها طرفین درباره برنامه‌های جدید به توافق رسیدند، کار طرح عمده^{*} به اتمام رسیده بود. خواهان اظهار می‌دارد که این امر [تمکیل قسمت عمده کار] در اوآخر سال ۱۹۷۸ تحقق یافت. حسب ادعا آی‌سی‌سی سعی کرد طرح را به مغان تحويل دهد،

* لوله‌های ساخته شده از سیمان و پنبه نسوز (ایرانیت) asbestos

ولی در نتیجه اوضاع بی ثبات سیاسی، یافتن فردی در وزارت کشاورزی یا مغان که مسئولیت قبول طرح را به عهده گیرد مقدور نبود. خواهان اظهار می‌دارد که موارد دیگری از سوء‌اداره پروژه توسط کارمندان مغان و خرابکاریهای در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹ آسیب‌های زیادی بیار آورد که آی‌سی‌سی مجبور به تعمیر آنها شد. بنا به اظهار خواهان، انقلاب در این اثناء حادث شد و کلیه کارها متوقف گردید.

۴۴ - بعد از انقلاب، آقای آذری نماینده اصلی آی‌سی‌سی در ایران، در آن وقت حسب ادعا متوجه شد که آسیب‌های فراوانی وارد گردیده و کلیه وسائل مصادره شده است. وزارت کشاورزی به آقای آذری گفته بود که آی‌سی‌سی باید طرح را به اتمام رساند. طبق اظهار خواهان، آقای آذری چاره‌ای جز موافقت با ماندن در محل و نظارت بر کار نداشت. خواهان به امید اینکه اوضاع به حالت عادی بر می‌گردد، حسب ادعا هزینه‌های آی‌سی‌سی را برای طرح در سال ۱۹۷۹ پرداخت کرد، ولی در نوامبر ۱۹۷۹ که امریکائیها به گروگان گرفته شدند، وی مجبور شد کار را در ایران متوقف سازد. بنا به ادعای خواهان، بعد از آن جریان، دفتر آی‌سی‌سی در تهران مورد یورش "کمیته انقلاب کارگران محل" قرار گرفت و کلیه اسناد و مدارک وی توقيف شد. در آوریل ۱۹۸۱، بانک ملی پرداخت وجه دو اعتبار استنادی باقیمانده به شماره‌های ۷۰۰۸۵ و ۷۰۰۸۷ را مطالبه کرد. پیرو مجوز مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [هشتم مه ۱۹۸۱] وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، پرداخت وجه باقیمانده از محل اعتبارات استنادی منع گردید و کماکان منوع است.

۴۵ - خواهان اظهار می‌کند که مغان با عدم پرداخت هزینه سفارش کار اضافی و امتناع از قبول تحويل طرح و تسويه حساب نهایی، قرارداد را نقض کرده است. در مورد کار اضافی ناشی از تأعیرها و خسارات ناشی از انقلاب، خواهان به ماده ۴۳

شرایط عمومی استناد می‌کند که به آی‌سی‌سی حق می‌دهد بابت کلیه هزینه‌های اعاده طرح به وضع اولیه آن، در مواردی که به دلایلی از جمله "انقلابات و اعتصابات عمومی" تعمیر ضرورت داشته، غرامت دریافت کند. خواهان همچنین استدلال می‌کند که خواندگان تعهد خود را بابت آزاد کردن اعتبارات اسنادی و استرداد ده درصد برداشتی از صورتحسابهای آی‌سی‌سی نقض کرده‌اند.

۴۶ - خواهان اظهار می‌دارد که هیچ درآمدی از محل طرح تحصیل نکرده و کلیه پرداختهای خواندگان به آی‌سی‌سی صرف احداث و تعمیر پروژه شده است. حسب ادعا وی مبالغی نیز از حساب شخصی خود در سال ۱۹۷۹ به ایران حواله کرد. خواهان استدلال می‌کند که براساس اظهارنامه‌های مالیاتی سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ (رجوع شود به: بند ۳۳ حکم) آی‌سی‌سی مبلغ ۵۱۴،۱۸۲،۹۰ ریال بیش از مبلغ دریافتی برای اجرای پیمان خرج کرده است. بنابراین وی مبلغ ۳۲۱،۱۰۲۸۸،۳۲۱ دلار بابت جبران این هزینه‌های اضافی مطالبه می‌کند. وی همچنین مبلغ ۷۱۹،۷۱۹،۸۹۴ دلار بابت هزینه‌های متحمله در دفتر خود در نیویورک، تا حدودی که قبلاً در پرونده اول لویت مورد حکم واقع نشده‌اند، مطالبه کرده است. علاوه بر آن، خواهان ده درصد از مبلغ صورتحسابهای آی‌سی‌سی را که معادل وجوه کسر شده توسط مغان بابت تضمین حسن انجام کار است، مطالبه می‌کند. طبق محاسباتی که خواهان براساس درآمد اعلام شده در اظهارنامه‌های مالیاتی مذکور در بالا، انجام داده، این ده درصد به ۹۰۵،۲۷۲،۲۶ ریال بالغ می‌شود. خواهان مضافاً" بابت مصادره ادعایی وسائل آی‌سی‌سی غرامت مطالبه و بالاخره از دیوان درخواست می‌کند که بابت هزینه‌های حقوقی و بهره حکمی به نفع وی صادر کند و به بانک ملی دستور دهد که اعتبارات اسنادی را آزاد نماید.

(سه) - خواندگان

۴۷ - خواندگان هیچ مسئولیتی در مورد قرارداد برای خود قابل نیستند و اظهار می‌دارند که آی‌سی‌سی بیش از آنچه که طلبکار بوده در واقع پول گرفته و هیچ کار اضافی سفارش یا انجام نشده، هرگونه تاعخبری معلول عدم کارآیی آی‌سی‌سی بوده و خواهان هیچ مدرکی برای اثبات ادعاهای خود ارائه نداده است. خواندگان براساس این اظهارات، ادعاهای متقابلى ارائه کرده‌اند که شرح آنها ذیلاً در بندهای ۵۱ و ۵۳ حکم آمده است.

۴۸ - خواندگان ضمن انکار وقوع هر سلب مالکیتی، استدلال می‌کنند که ادعای سلب مالکیت با اظهار خواهان مبنی بر اینکه تا دستگیری گروگانهای امریکایی در نوامبر ۱۹۷۹ به کار خود ادامه داده، مغایرت دارد. خواندگان اظهار خواهان را دایر بر اینکه دفتر آی‌سی‌سی در تهران در اوخر سال ۱۹۷۹ غارت شد، تکذیب می‌کنند و توضیح می‌دهند که در ژوئن ۱۹۷۹ آی‌سی‌سی محل کار خود را از باستان که حسب ادعا غارت شده به نقطه دیگری در تهران تغییر داد. این ادعا همچنین با اظهار خواهان مبنی بر اینکه آی‌سی‌سی تا نوامبر ۱۹۷۹ به کار ادامه داد، مغایرت دارد. خواندگان انکار می‌کنند که مشکلاتی در وارد کردن وسائل وجود داشته و متذکر می‌شوند که در هر صورت، طبق قرارداد اکثر مصالح باید در ایران تولید می‌شد. در مورد اوضاع عمومی، خواندگان انکار می‌کنند که انتشارات داخلی تبریز، در مارس ۱۹۷۸ به مغان سرایت کرده باشد و اظهار می‌دارند که تا پایان آوریل ۱۹۷۸ که حسب اظهار خواندگان، بدوا" قرار بود طرح مغان به اتمام رسد، هنوز انقلاب اثراتی در آنجا ببار نیاورده بود.

۴۹ - درباره نمونه‌هایی از عدم کارآیی مغان که خواهان نقل کرده، خواندگان اظهار می‌کنند که ترکیدن یکی دو لوله ایرانیت غیر عادی نبود و مغان را "سرا" ترتیب تعمیر آنها را داد بدون آنکه خواهان را درگیر کند. برخلاف اظهارات خواهان، درختان میوه زودتر از موعد مقرر غرس یا پمپهای آب قبل از موقع باز نشدند. خواندگان

استدلال می‌کنند که اگر آسیب ادعایی وارد شده بود، آی‌سی‌سی از محل بیمه خود جبران آن را مطالبه می‌کرد.

۵۰ - خواندگان اظهار می‌دارند که هیچگاه مقدار کار افزایش نیافت و بنابراین، تمدید مدت قرارداد هرگز به تصویب نرسید. خواندگان اظهار می‌کنند که در واقع، حتی توافق شد که قطعه "K" از کارهای قرارداد حذف شود و می‌گویند که از همان ابتدا که مغان محل طرح را به موقع به آی‌سی‌سی تحویل داد، خواهان در راه انداختن طرح قصور کرد. مغان در چندین مورد به آی‌سی‌سی تذکر داد که کار را تسريع کند. تا آوریل ۱۹۷۸ تقریباً پنجاه درصد کار اتمام یافته بود. خواندگان به مکاتبات مختلف موجود در پرونده اشاره می‌کنند که در آنها آی‌سی‌سی به تauxirهای حاصله در طرح اذعان کرده است. خواندگان درباره دلایل این تauxir، اظهار می‌دارند:

تحت چنین شرایطی که پیمانکار سرمایه کافی ندارد و در امر آبیاری قطره‌ای نه تجربه و نه سابقه کار و نه متخصص داشته و مدعی لزوم واردات از خارج نیز می‌باشد و نیز در پروژه دیگری درگیر بوده، تعهد انجام پیمانی را کرده که به موجب ماده ۴ آن مدت تهیه تجهیزات و تشکیل کارگاه یک ماه و مدت اجرای عملیات ۵ ماه بوده است. تردیدی نیست که تحت شرایط بیان شده انجام چنین تعهدی ظرف مدت تعیین شده مواجه با اشکال و تauxir می‌شده...

۵۱ - خواندگان اظهار می‌دارند که هیچگاه دخالتی در اجرای پروژه نکردند و بر عکس مدعی هستند که با پرداخت مساعده برای بعضی مصالح و پرداخت دستمزدی که آی‌سی‌سی پس نداد، به شرکت مزبور کمک کردند. خواندگان همچنین اظهار می‌دارند که "پیمانکار بود که در تهیه مصالح و در انتخاب مدیر کارگاه و همچنین در اجرای عملیات کوتاهی کرد" و هر مشکلی از عدم صلاحیت خود خواهان ناشی شده است. عیب عده‌ای که خواندگان مشخص کرده‌اند مربوط به نهالهایی است که از فرانسه وارد شده بود. خواندگان اظهار می‌دارند که عدم پیشرفت کار از ناحیه

آی‌سی‌سی موجب خشک شدن این نهالها شد، نه زود غرس کردن آنها. بر این اساس، خواندگان ادعای متقابلی به مبلغ ۶۳،۰۳۶،۲۴۵/- ریال بابت "خشک شدن نهالها" و مبلغ ۱۱،۲۲۱،۷۲۹/- ریال بابت آبیاری دستی ارائه کردند.

۵۲ - در مورد تکمیل طرح، خواندگان استدلال می‌کنند که "بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم قرارداد با شرکت مزبور فسخ نشد. آقای آذری مدیرعامل ایرانی شرکت کانستراکشن نماینده‌ای به نام آقای آرامی به کشت و صنعت مغان اعزام داشته و برای خاتمه عملیات پروژه تلاش کرده است". خواندگان اسنادی ارائه داده‌اند که به دوره بعد از رفتن آی‌سی‌سی از ایران در نوامبر ۱۹۷۹ مربوط می‌شود و ظاهراً "حاکی از اذعان آی‌سی‌سی به تأخیر در انجام کار و نقایصی است که بابت آنها قرار بود مبالغی از طلب آی‌سی‌سی کسر شود. آخرالامر، تحويل موقت در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۰ آوریل ۱۹۸۱] صورت گرفت، با این شرط که کارهای دیگری توسط کارفرما انجام شود و به حساب آی‌سی‌سی منظور گردد. خواهان اظهار می‌کند که این اسناد پس از آنکه آی‌سی‌سی مجبور شد عملیات خود را در نوامبر ۱۹۷۹ متوقف سازد تنظیم یا امضاء شدند. طبق اظهار خواهان، آقای آرامی در آن زمان به عنوان نماینده خواهان عمل نمی‌کرد، بلکه "از خوانده"، یعنی مغان دستور و حقوق می‌گرفت". خواندگان متذکر می‌شوند که در پرونده نامه‌ای به تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] وجود دارد که آی‌سی‌سی به مغان نوشته و در آن، آقای آرامی را به عنوان "سر مهندس شرکت در کارگاه مغان" معرفی کرده است و اظهار می‌دارند که هیچگاه اطلاعات بیشتری راجع به نامبرده دریافت نکردند.

۵۳ - در مورد مبالغ پرداختی و قابل پرداخت به موجب قرارداد، موضع خواندگان مخالف موضع خواهان است. خواندگان معتقدند که مغان تعهد خود را از لحاظ پرداخت براساس گزارش‌های پیشرفت کار کامل‌ا" ایفاء کرده است و استدلال می‌کنند که کل

مبلغ قرارداد $۲۲۴,۸۱۶,۶۳۰/-$ ریال است که پس از کسر ارزش قطعه حذف شده، مبلغ $۲۰۴,۸۱۶,۶۳۰/-$ ریال باقی می‌ماند. طبق اظهار خواندگان، آی‌سی‌سی بابت کاری که انجام داده، می‌بایست فقط مبلغ $۱۹۱,۴۸۱,۰۴۳/-$ ریال دریافت می‌کرد، درحالیکه مبلغ $۲۶۲,۱۷۶,۰۹۹/-$ ریال وصول کرده است و ادعای متقابل دومی که خواندگان اقامه کرده‌اند بابت مابه‌التفاوت این دو مبلغ است.^(۲) خواندگان همچنین اظهارنظر می‌کنند که حتی اگر مبلغی که خواهان معرفت به دریافت آن است – یعنی $۲۲۱,۰۱۷,۸۳۲/-$ ریال – از مبلغ قرارداد کسر شود، تنها مبلغ $۳,۷۹۸,۷۹۸/-$ ریال باقی می‌ماند. بالاخره، خواندگان مدعی هستند که آی‌سی‌سی مبلغ $۳۲,۱۵۲,۲۵۲/-$ ریال بابت کالاهای خواهان و خدماتی که مغان وجه آنها را پرداخته به آنها بدهکار است.^(۳)

۵۴ - در پاسخ به ادعای اضافه پرداخت، خواهان خاطرنشان می‌کند که ماده ۳۷ شرایط عمومی قرارداد به مغان اختیار می‌داد از پرداخت صورتحسابهای آی‌سی‌سی خودداری کند و وی را ملزم می‌کرد که اگر اعتراضی دارد ظرف سی روز اعلام نماید. خواهان نتیجه می‌گیرد که مغان با عدم اعتراض، از حق خود اعتراض کرده است. به علاوه، خواهان اظهار می‌دارد که مبالغی که حسب ادعا به آی‌سی‌سی پرداخت شده، شامل وجوهی نیز بوده که در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ پس از قطع دخالت آی‌سی‌سی در طرح پرداخت شده و بنابراین استدلال می‌کند که این مبالغ را را نمی‌توان پرداخت به وی محسوب کرد. علاوه بر آن، به نظر خواهان، حتی اگر

(۲) خواندگان استدلال می‌کنند که طبق قرارداد، فقط براساس مقدار کار انجام شده باید پرداخت به عمل آید و نه "برمبانی هزینه‌های ادعایی بی اساس".

(۳) در جدول بدون تاریخی از قسمت حسابداری مغان، ارزش این کالاهای خواهان و خدمات مبلغ $۳۰,۰۰۰,-$ ریال ذکر شده است.

مغان بتواند ثابت کند که آی‌سی‌سی بیش از مبلغ قرارداد دریافت کرده، این امر تنها ثابت می‌کند که کار اضافی انجام شده است.

۵۵ - راجع به موضوع ضمانتنامه‌های بانکی، بانک ملی اظهار می‌دارد که:

استفاده از حقوقی که ضمانتنامه‌های صادره از طرف بانک ملی برای وزارت کشاورزی ایجاد نموده و نیز بهره‌وری از حقوقی که امریکن اکسپرس با صدور اعتبارنامه‌ها برای بانک ملی تائسیس نموده یک حق مسلم حقوقی است و به هیچوجه نمی‌توان به آن عنوان کلاهبرداری و استفاده نامشروع داد.

(ب) - ارائه اسناد

۵۶ - پس از بررسی مستندات پرونده، دیوان با این اظهار خواهان موافق است که ادعای خواهان حسب اعتراف خود وی، "مشکلاتی از لحاظ اثبات پیش می‌آورد." خواهان معتقد است که "اگر خوandگان اجازه یابند با استفاده از نقض آشکار دستورهای دیوان مبني بر تائmin دليل، ادعاهای مشروع آقای لویت را با شکست مواجه کنند، ظلم فاحشی خواهد بود." خواهان مضافاً اظهار می‌دارد که دیوان باید از قصور ادعایی خوandگان در ارائه اسنادی که در اختیار داشته‌اند به زیان آنان نتیجه‌گیری کند و [باتوجه به قصور خوandگان در اجرای دستورهای دیوان] "حکمی" [default judgement] بابت تمامی مبلغ مورد ادعای خواهان" به نفع خواهان صادر نماید. خوandگان قبول دارند که قصور یک طرف در تسليم اسناد، ممکن است به ضرر ممتنع تمام شود. ولی معتقدند که این اصل مشروط به آن است که دادگاه کوتاهی و سریچی را با در دست داشتن ادله اثبات نماید". خوandگان می‌گویند که خواهان نتوانسته است چنین دلیلی را ارائه کند و استدلال می‌کنند که ارائه بعضی مدارک توسط آنان بدین معنا نیست که اسناد دیگری نیز وجود داشته که از ارائه آن خودداری شده باشد.

۵۷ - بنابراین دیوان باید به عنوان یک موضوع مقدماتی تعیین کند که آیا خوادگان دستورهای وی را مبنی بر ارائه مدارک اجرا کرده‌اند یا خیر، رجوع شود به: بند ۲۳ فوق. دستورهای مزبور در تاریخهای ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] و ۳۰ خردادماه ۱۳۶۲ [۲۰ ژوئن ۱۹۸۳] و ۱۲ آبانماه ۱۳۶۲ [سوم نوامبر ۱۹۸۳] و ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۶ [۳۱ مارس ۱۹۸۷] صادر شدند. رجوع شود به: بند ۴ تا ۲۶ فوق. در یکایک این دستورهای ارائه اسناد، مشخصاً "فهرستی از مکاتبات مورد اشاره در لوایح خود خوادگان و یا در مستندات تسلیمی آنان که برخی از آنها مکاتباتی از آی‌سی‌سی بوده، نقل شده است."^(۴)

۵۸ - دیوان ملاحظه می‌کند که خوادگان در پاسخ به بند ۹ و بند ۱۱ دستور مورخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۲] دیوان هیچ مطلب جدیدی به ثبت نرسانده‌اند. خوادگان با بی اعتمایی به تاریخهای معین و مشخصاتی که در دستور ذکر شده و مستقیماً از اشارات مندرج در لوایح خوادگان اخذ گردیده، در پاسخ کلی خود به دستور مزبور اظهار داشته‌اند که تا زمانی که خواهان به طور منجز و مشخص "شماره نامه‌ها و یا مدارک" را اعلام نکند، امکان ارائه اسناد مورد تقاضا مقدور نمی‌باشد. خوادگان همچنین به دیوان اطلاع دادند که نباید انتظار داشت که خوادنه "در مدت طولانی نسبت به مطالعه سوابق خود اقدام و مدارک مورد نیاز خواهان را که هیچگونه حقی به آنها ندارد استخراج کند." رجوع شود به: بند ۱۰ فوق.

(۴) با توجه به این واقعیت، بررسی ادعای خواهان مبنی بر غارت دفتر آی‌سی‌سی در تهران که مورد تکذیب خوادگان است، ضرورت ندارد. رجوع شود به: بند ۴ و ۴۴ و ۴۸ فوق. ماءخذ اشارات مندرج در آن بندها مبنای کافی برای صدور دستورهای دیوان دایر بر ارائه اسناد به دست داده است.

۵۹ - خواندگان در پاسخ به دستور بعدی مورخ ۳۰ خردادماه ۱۳۶۲ [۲۰ ژوئن ۱۹۸۳] دیوان مبنی بر ارائه اسناد، به دیوان اطلاع دادند که قادر نیستند اسناد دیگری به دست آورند. رجوع شود به: بند ۱۲ فوق. دیوان سپس دستور مورخ ۱۲ آبانماه ۱۳۶۲ [سوم نوامبر ۱۹۸۳] خود را در مورد ارائه اسناد صادر کرد (رجوع شود به: بند ۱۵ فوق) که در پاسخ به آن، خواندگان مطالب خود را دایر بر اینکه اسناد دیگری در اختیار ندارند، تکرار کردند، اما در عین حال اظهار داشتند که چنانچه مشخصات بیشتری راجع به مدارک در اختیار آنان قرار گیرد، احتمالاً می‌توانند "به جستجوی اسناد مورد نیاز بپردازند". در این رابطه، خواندگان به غلط اظهار داشتند که تاریخ مکاتبات مورد درخواست به آنها اطلاع داده نشده است.

۶۰ - دیوان ملاحظه می‌کند که هم ادعای متقابل مالیاتی خواندگان که در ۱۸ اسفندماه ۱۳۶۲ [هشتم مارس ۱۹۸۴] به ثبت رسید، و هم ادعای متقابل مربوط به اعتبارات اسنادی که در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶] به ثبت رسید، حاوی مستنداتی است که قبل از تسلیم نشده بودند.

۶۱ - دیوان سپس بر اساس بررسی تمامی پرونده، دستور پنج صفحه‌ای مورخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۶ [۳۱ مارس ۱۹۸۷] خود را در مورد ارائه اسناد صادر کرد. (رجوع شود به: بند ۲۱ فوق) و به دنبال فهرست مفصلی از سوالات و مشخصات [مکاتبات] صراحتاً به خواندگان اخطار کرد که "دیوان مختار است از نحوه پیروی وزارت‌خانه از دستورات دیوان درباره ارائه مدارک، نتیجه‌گیریهای مقتضی به عمل آورد". خواندگان در پاسخ به این دستور، به دیوان اطمینان دادند که کلیه صورتجلسات و نامه‌های فهرست شده تسلیم گردیده است. (رجوع شود به: بند ۲۲ فوق). ولی بررسی دیوان از مدارک ظاهراً نشان می‌دهد که از صورتجلسات مورد درخواست مربوط به هفت نشست، فقط صورتجلسه مربوط به نشست مورخ ۲۱ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۹] به ثبت رسیده و از چهار فقره مکاتبه مورد درخواست، فقط

نامه مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۱۳ مه ۱۹۷۸] تسلیم شده است.

۶۲ - لایحه مورخ دهم اسفندماه ۱۳۵۷ [اول مارس ۱۹۸۹] وزارت کشاورزی حاوی دو پیوست جدید، یعنی نامه‌ای به تاریخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸] از مغان به آی‌سی‌سی و صورتجلسه نشست مورخ ۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۰ آوریل ۱۹۸۱] بود که این امر با اظهارات مکرر خواندگان مبنی بر اینکه سند دیگری در اختیار ندارند تنافق دارد.

۶۳ - در جلسه استماع خواندگان ابتدا اظهار داشتند که کلیه اسناد مورد درخواست را به ضمیمه لوایح مورخ چهارم مردادماه ۱۳۶۱ [۲۶ ژوئیه ۱۹۸۲] و ۲۵ اسفندماه ۱۳۶۱ [۱۶ مارس ۱۹۸۳] خود تسلیم کرده‌اند. هنگامی که دیوان ایراد گرفت که خواندگان برخی نامه‌ها و گزارش‌های مغان را تسلیم، ولی علیرغم دستورهای دیوان در این باره، از ارائه مکاتبات آی‌سی‌سی که نامه‌ها و گزارش‌های مذبور صریحاً به آنها اشاره می‌کند خودداری نموده‌اند، خواندگان ضمن مطالبی اظهار داشتند که اشارات مذکور در اسناد خود مغان، شرحی کافی از مندرجات نامه‌های آی‌سی‌سی بدست می‌دهد. سپس در پاسخ به سؤال دیگری از دیوان، خواندگان گفتند که به مدارک دسترسی نداشتند و هنگامی هم که به آن دسترسی یافتند، دیوان درخواست خود را برای ارائه آن اسناد تجدید نکرد. و بالاخره، در پاسخ به تفحصی در باره یک نامه خاص، خواندگان اظهار داشتند که آن سند را نتوانسته‌اند بیابند. ولی اگر دیوان اصرار دارد، می‌توانند برای یافتن آن کوشش کنند.

۶۴ - بر اساس مراتب پیشگفته، دیوان معتقد است که به دلالت برخی از دستورهای ارائه مدارک، خواندگان اکثر اسناد مورد درخواست را تسلیم نکرده و دلایل کافی نیز برای عدم تسلیم آنها ابراز نکرده‌اند. لازم به تأکید است که اسناد مورد درخواست همانهایی بوده‌اند که خواندگان در لوایح خود به آنها اشاره کرده‌اند.

توضیحات خواندگان که اغلب متناقض و طفره آمیز است، حاکی از تعمد در عدم رعایت دستور است و نه عدم توانایی در ارائه مدارک. مستنداتی که خواندگان قبله "به ثبت نرسانده بودند و بعداً" در تائید ادعاهای متقابل خود تسليم کردند، این مطلب را بیشتر تائید می‌کند.

۶۵ - همانطور که شعبه سه در بند ۴۲ حکم شماره ۴۲۶-۲۷۶-۳ مورخ نهم تیرماه ۱۳۶۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۹] در پرونده آرتور جی. فریتس اندر کامپنی و شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی و دیگران، چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R. 170,180 نظر داد "طبق یک اصل پذیرفته شده، قصور یک طرف در تسليم ادله و مدارکی که احتمالاً در اختیار وی بوده، می‌تواند به زیان وی تعییر شود". در آن حکم، دیوان نتیجه گرفت که در سنجد مدارک موجود نزد خود، باید قصور طرف را در ارائه استناد مورد توجه قرار داد. نیز رجوع شود به: ص ۱۴ حکم شماره ۱۶۱-۱۸۴-۲۲ مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۳ اوت ۱۹۸۵] در پرونده ای. ان. آ. کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 8 Iran-U.S. C.T.R. 373,382.

۶۶ - بر این اساس، گرچه دیوان درخواست خواهان را برای صدور حکم مورد نظر وی [default judgement] نمی‌پذیرد، ولی باید پرونده ناقص مربوط به ادعا و ادعاهای متقابل را در پرتو قصور خواندگان در اجرای دستورهای دیوان دایر بر ارائه مدارک مورد تفسیر قرار دهد. نیز رجوع شود به: بند ۱۰۹ زیر.

(ج) - یافته‌های دیوان

(بک) - فسخ قرارداد

۶۷ - هم ادعاهای متقابل بر اجرای قرارداد توسط طرفین مبتنی هستند. بنابراین طول مدت روابط قراردادی طرفین قبل از سایر موضوعات مطرح می‌شود. در پرونده اول لویت که دیوان با موضوعی مشابه روپرتو بود، ضمن آراء دیگر نظر داد که گرچه یکی از خواندگان مدعی است که "آی‌سی‌سی پروژه را رها کرده، با اینحال از ادله و مدارک روشن است که قصد آقای لویت و شرکای وی این بوده که به محض اینکه اوضاع و احوال اجازه داد آی‌سی‌سی کار را از سر گیرد." بند ۳۸ حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷ در پرونده اول لویت، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 202 نوامبر ۱۹۷۹، افراد غیر مجاز قسمت اعظم محل پروژه را اشغال نموده اقدام به ساختمان کردند" نتیجه گرفت که "تعیین تاریخ دقیق فسخ قرارداد ممکن نیست، لیکن قرارداد را باید قطع نظر از وقایع بعدی انقلاب، حداقل در پایان سال ۱۹۷۹ خاتمه یافته تلقی کرد." همان مأخذ، بند ۳۹، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 203

۶۸ - در پرونده حاضر، لویت ادعا می‌کند که "در نوامبر ۱۹۷۹ هنگام دستگیری گروگانهای امریکایی مجبور شدیم کلیه عملیات را در ایران متوقف کنیم." از اینرو ادعای آی‌سی‌سی مبتنی بر کاری است که وی حسب ادعا تا آن تاریخ انجام داده است. لیکن، خواندگان اظهار می‌دارند که آقای آذربی، به منظور تکمیل پروژه، آقای د. آرامی را به ریاست آی‌سی‌سی منصوب کرد و آی‌سی‌سی تا آوریل ۱۹۸۱ که تحويل وقت صورت گرفت، کار را همچنان ادامه داد. دیوان ملاحظه می‌نماید که گزارش‌های پیشرفت کار و سایر مکاتباتی که خواندگان به عنوان مدرک

دخالت مداوم ادعایی آی‌سی‌سی تسلیم کرده‌اند، تنها به امضای آقای آرامی است. در جلسه استماع، هنگامی که از خواهان راجع به رابطه وی با آی‌سی‌سی بعد از نوامبر ۱۹۷۹ پرسش به عمل آمد، وی توضیح داد که بعد از آن تاریخ هیچگونه تماسی با آی‌سی‌سی نداشته است. طبق اظهار خواهان، "از نظر ما بعد از آن هیچ اتفاقی نیفتاد. آقای آرامی که مهندس بود، ظاهراً" به عنوان مدیر منصوب شد و حقوق وی را مغان پرداخت می‌کرد.

۶۹ - دیوان قبول ندارد که همکاری آقای آرامی به معنای آن است که رابطه قراردادی آی‌سی‌سی با مغان بعد از نوامبر ۱۹۷۹ ادامه داشته است. گرچه با انتصاب آقای آرامی به عنوان "سرمهندس مقیم" که در نامه مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] آقای آذربی اعلام شده، اختیاراتی به وی تفویض گردید، لکن در سوابق مبنای کافی برای این نتیجه‌گیری وجود ندارد که منظور از آن انتخاب بالاخص در اوضاع و احوال حاکم بعد از نوامبر ۱۹۷۹، این بود که حدود اختیارات وی از سطح عملیات روزانه فراتر رفته، مدیریت کلی و نمایندگی رسمی آی‌سی‌سی را دربر گیرد.

۷۰ - عوامل مختلفی نظر دیوان را نسبت به این موضوع بیشتر مورد تأثیر قرار می‌دهند. سوابق حاکی است که آقای آذربی در طول نیمه دوم ۱۹۷۹ همچنان به عنوان نماینده آی‌سی‌سی باقی ماند و این استنباطی است که با نتیجه‌گیری دیوان در پرونده اول لویت مطابقت دارد که "آقای آذربی در ایران ماند و تا آخر سال ۱۹۷۹ با... از نزدیک در تماس بود تا مقامات مربوط را به ادامه پروژه تغیب نماید." بند ۳۸ حکم شماره ۲۹۷-۲۰۹-۱ در پرونده اول لویت، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 203 ۱۴. تاریخ اولین صورتحسنه مربوط به وضعیت پروژه به امضای آقای آرامی، ۲۱ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۹] است. در خود صورتحسنه، از آقای آرامی به عنوان یکی از "مهندسين مقیم کارگاه" نام برده

شده است. علاوه بر این، قابل توجه است که مکاتبات بعد از نوامبر ۱۹۷۹ پروژه، که امضای دوم آن را آقای آرامی حسب ادعا از جانب آیسیسی کرده است، اکثراً مربوط به دستورهای کار، تائید نواقص فنی و دستور بدھکار کردن حساب آیسیسی بابت هزینه‌های انجام شده توسط مغان می‌باشد. مکاتبات مزبور، به جای آنکه نشانگر دخالت مستقلی از ناحیه آیسیسی باشند، به روشنی این تصور را به وجود می‌آورند که مغان راعسا" کنترل انحصاری عملیات را به دست گرفته بوده است.

۷۱ - همانطور که دیوان در صفحات ۴۸-۴۹ قرار اعدادی شماره ۳۲-۲۴-۱ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳] در پرونده استارت هاووزینگ کورپوریشن و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. 4 C.T.R. 122,155 [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] که بحران گروگانگیری آغاز شد کلیه شرکتهای امریکایی که در ایران پروژه‌های داشتند مجبور شدند پروژه‌ها را رها کرده و پرسنل خود را از ایران خارج سازند." همچنین، برای مثال، رجوع شود به: صفحات ۲۲، ۲۳ مورخ ۱۳۶۴ مردادماه ۲۸ [۱۹ اوت ۱۹۸۵] در پرونده اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کورپوریشن و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. 9 C.T.R. 10,24 در پرونده اول لویت دیوان نظر داد که

ادله و مدارک حاکی است که با توجه به آشفتگی امور و ناآرامی حاکم، به ویژه از این جهت که پروژه مزبور اولین پروژه آقای لویت در ایران بود، آیسیسی در ادامه مراحل اساسی ساختمان، با مشکلات قابل ملاحظه‌ای روبرو می‌شد. لذا، بعيد بود که پروژه می‌توانست مطابق برنامه زمانی که بدوا" پیش‌بینی شده بود، تکمیل گردد و یا اینکه هزینه پروژه، به دلیل مشکلات نظارت توسط سازمان آقای لویت و وارد کردن مواد و مصالح، به میزان زیادی افزایش نمی‌یافتد.

بند ۵۷ حکم شماره ۱۹۷-۲۰۹ در پرونده اول لویت، چاپ شده در ۲۰۹-۱۰ Iran-U.S. C.T.R. 14. باتوجه به سابقه این نظرات، دیوان در اینجا معتقد است که قطع فعالیتهای آی‌سی‌سی در مغان در اوخر پاییز ۱۹۷۹، که ناشی از شرایط عمومی فورس‌ماژور حاکم در آن زمان بود، باعث شد که قرارداد به دلیل اختفاء موضوع و یا عدم امکان اجرای آن، خاتمه یابد.

۷۲ - در رابطه با تاریخ مشخص ختم قرارداد، دیوان بدوا" خاطرنشان می‌سازد که اگر چه در قرارداد قیدی در مورد فورس‌ماژور و نیز قیدی در مورد ختم قرارداد وجود دارد که در آن، شرایطی که به مغان حق فسخ قرارداد می‌دهد ذکر شده است - و یکی از آن شرایط، ترک پروژه توسط آی‌سی‌سی بدون وقوع حادثه فورس‌ماژور است - لکن در خود قرارداد شرط صریحی ناظر بر ختم آن به دلیل فورس‌ماژور مقرر نگردیده و در سوابق امر نیز هیچ اطلاعیه فسخ رسمی وجود ندارد. همانطور که دیوان در حکم شماره ۱۹۷-۱۲۳، بنده ۲۸ سورخ نهم بهمن‌ماه ۱۳۶۵ [۱۹۸۷ ژانویه] در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز، اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در ۶۵,۷۳ Iran-U.S. C.T.R. 14 ("اینترنشنال اسکولز") خاطرنشان نمود "در مواردی نظیر پرونده حاضر که خود طرفین قرارداد را به علت فورس‌ماژور خاتمه نداده‌اند، همواره مشکل است بتوان تاریخ دقیقی برای خاتمه کار براساس فورس‌ماژور، مشخص ساخت." با در نظر گرفتن اوضاع و احوالی که در بندۀ‌ای پیشین بدانها اشاره شد و نیز این واقعیت که در سوابق مربوط به دوره بعد از ۱۹۷۹ هیچ‌گونه اظهارنامه مالیاتی وجود ندارد، دیوان نتیجه می‌گیرد که رابطه قراردادی بین آی‌سی‌سی و مغان در دسامبر ۱۹۷۹ خاتمه یافته بوده است.

(دو) - بی آمدهای فورس مژوز

۷۳ - طبق ماده ۴۳ قرارداد، مغان متعهد به ترمیم آسیبهایی شد که بر اثر انقلابات، اعتصابات و سایر حوادثی که آی‌سی‌سی را مسئول آن نمی‌توان شناخت به طرح وارد می‌شود. تعهد مغان در تأمین هزینه تعمیرات مشروط به دو شرط بود. اولاً "اینکه، حادثه می‌باشد می‌شمول بیمه نبوده باشد. ثانیاً، مغان ملزم نبود هزینه تعمیراتی را که به تشخیص وی "ضروری و امکان پذیر" نبود، تأمین کند. لیکن، در قرارداد صریحاً معین نشده است که در صورتی که رویدادهایی در حکم فورس مژوز موجب فسخ قرارداد شوند تکلیف چیست؟ بنابراین، لازمست دیوان علاوه بر اجرای صرف مفاد قرارداد کار دیگری نیز انجام دهد.

۷۴ - روشی که باید در پیش گرفته شود با مراجعه به رویه‌های قضایی گوناگون قابل تعیین است که از بین آنها، دو رویه اصول حاکم بر موضوع را بالاخص روشن می‌کند. در حکم شماره ۱۱۱-۱۹۴-۱۷، صفحات ۱۶، ۱۷، مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۶۴ [دهم اکتبر ۱۹۸۵] در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز، اینک و شرکت ملی صنایع مس ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 187,197 در ۹ دیوان نظر داد که

قاعده حاکم در مورد حقوق و مسئولیت‌های طرفین تحت این شرایط آن است که "ضرر باید محدود به جایی باشد که وارد می‌شود" (ضرر به عهده متضرر است). همانطور که دیوان در رابطه با این قاعده خاطرنشان کرده، "تسهیم زیان عموماً" منوط به نظر منصفانه دیوان است و قرارداد به عنوان چارچوب و ملاک مراجعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، "حکم شماره ۱۷۲-۱ ۳۷-۱۷۲ فور دین ماه ۱۳۶۲ [۱۵ آوریل ۱۹۸۳] در پرونده کوئینز آفیس تاور اسوسی ایتس و شرکت هوایی ملی ایران ص ۱۱.

دیوان با اعمال این اصول نتیجه گرفت که حق الزحمه و هزینه‌هایی که خواهان تا قبل از تاریخ ختم قرارداد متحمل گردیده باید به وی بازپرداخت شود، لیکن حق الزحمه و هزینه‌های متحمله بعد از آن تاریخ و همچنین سود از دست رفته قابل جبران نیست.

۷۵ - در حصول به این نتیجه، دیوان از روشی مشابه روش مورد عمل در پرونده گولد مارکتینگ، اینک و وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱۳۶-۴۹/۵۰-۲، صفحات ۵-۶ سورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 272,274-75 («گولد»)، پیروی کرد. در آن پرونده، دیوان در شمار مطالبی اعلام داشت:

فسخ قرارداد در نتیجه انتفاء آن به وضوح برای هر دو طرف مشکل ایجاد کرده است. طبق قوانین امریکا، (و نیز طبق قوانین انگلیس از سال ۱۹۴۳ بعد) اصل کلی که برای توزیع منصفانه بی آمدھای انتفاء قرارداد اعمال می شود اینست که مبلغ [لازم التاءدیه] طبق قرارداد به تناسب میزان اجرای قرارداد تقسیم می گردد. چنانچه هیچگونه پولی پرداخت نشده باشد، طرفی که به تعهدش عمل کرده، به میزان اجرای تعهد مستحق دریافت حق الزحمه است. چنانچه پرداخت صورت گرفته، طرفی که پول گرفته حق دارد آن مقدار از پول را که متناسب با اجرایش باشد نگهداشته و هر مبلغ مزاد بر آن را باید مسترد نماید. در اعمال این اصل کلی، دیوان باید از تحیيل بلایت بار مشکلات ناشی از فسخ قرارداد به هر طرف، اجتناب ورزد...».

۷۶ - برای اجرای این اصول، لازمست دیوان رویدادهایی را که جزئی از تاریخچه رابطه قراردادی طرفین است کنار هم بگذارد و به بررسی اجرای قرارداد توسط آیسیسی و مغان بپردازد. مشکلات مربوط به ادله و مدارک که در بندھای ۵۶-۶۶ بالا تشریح شد این کار را تا حدود زیادی با اشکال مواجه می سازد. لکن، همانطور که دیوان در پرونده «گولد» خاطرنشان ساخته "صرفنظر از اینکه تقسیم منصفانه این بار برای دیوان، مانند هر دادگاه دیگر، چقدر مشکل و راعی صادره چقدر نارسا می تواند باشد، چنین مشکل و چنین نارسایی نمی تواند موجی برای امتناع از تأمین هرگونه خواسته ای باشد." همان مaudz.

(سه) - شروط قرارداد

۷۷ - در زمانی قبل از ۲۹ تیرماه ۱۳۵۶ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۷] خواندگان "کلیات و

دستورالعمل شرکت در مناقصه" را اعلام و برای پروژه مغان درخواست پیشنهاد کردند. در ضمیمه شماره یک این سند از شرکت کنندگان در مناقصه خواسته شده بود که "برنامه مقدماتی پیشنهادی خود را با توجه به برنامه زمانی ذیل" تسلیم نمایند و در آن تصریح شده است که "مدت اجرای تمامی کار... پایان آبانماه ۱۳۵۶ [۲۱ نوامبر ۱۹۷۷] می‌باشد. در ۲۹ تیرماه و یا اول مردادماه ۱۳۵۶ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۷] آی‌سی‌سی پیشنهاد خود را تسلیم کرد. بدنبال پاره‌ای مکاتبات و جلسات، آقای کرمی مدیرعامل مغان طی نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۶ [دهم سپتامبر ۱۹۷۷] درخواست کرد که "دستوری... مبنی بر انعقاد و امضای قرارداد با شرکت اینترنشنال کانستراکشن (برنده مناقصه)" به پرسنل مربوط صادر گردد. قرارداد در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۶ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۷] امضا شد.

۷۸ - در ماده ۱، هدف اصلی قرارداد "تهیه مصالح، حمل، نصب کامل و راهاندازی ۱۵۲۲ هکتار شبکه آبیاری قطره‌ای در باغات طرح مغان طبق نقشه‌ها و مشخصات مهندس مشاور" ذکر شده است.

۷۹ - در ماده ۳، "مبلغ اولیه پیمان" ۲۲۴،۸۱۶،۶۳۰ ریال ذکر [و افزوده شده است که] مبلغ مذبور "تابع تغییرات مقادیر کارها و کارهای جدید... می‌باشد." ماده ۷ شرایط عمومی "مبلغ کل پیمان" را چنین تعریف می‌کند: "... مبلغ اولیه پیمان به اضافه بهاء تغییرات مقادیر کارها و کارهای جدید مذکور در مواد ۲۹ و ۳۰." بر طبق دستورالعمل وزارتی مورخ چهارم خردادماه ۱۳۵۳ [۲۵ مه ۱۹۷۴] که پیوست قرارداد است، ماده ۲۹ مقرر می‌دارد که "مقادیر کارها ممکن است تغییر کند... مشروط بر اینکه جمع کل مبلغ پیمان... بیش از ۲۵ درصد نسبت به مبلغ اولیه پیمان تغییر نکند." قرار بود بهای کارهای اضافی بر مبنای جدول قیمت‌های مورد توافق طرفین تعیین شود. ماده ۳۰ ناظر بر کارهای جدیدی است که برای آنها هنوز

قیمت واحد تعیین نشده بود.

۸۰ - در مورد مدیریت پروژه، با آنکه در ماده ۶ شرایط عمومی، رئیس کارگاه به عنوان "شخصی... که از طرف پیمانکار... کتباء" به کارفرما و یا دستگاه نظارت معرفی می‌شود" توصیف شده، در عین حال ماده ۱۸ (ج) پیمانکار را ملزم می‌سازد

... شخص واحد صلاحیتی را که مورد قبول دستگاه نظارت باشد کتباء" به عنوان رئیس کارگاه معرفی نماید. رئیس کارگاه باید در اوقات کار در کارگاه حاضر باشد و عملیات اجرایی تحت سرپرستی و نظارت او انجام شود.

پیمانکار به منظور اجرای عملیات و دریافت دستورات و نقشه‌ها از دستگاه نظارت... اختیارات کافی به رئیس کارگاه خواهد داد.

۸۱ - در رابطه با دستگاه نظارت مذکور، در ماده ۶ قید شده است که نظارت بر تعهدات پیمانکار "به... مهندسین مشاور اکرونومیک و هاوایین اکرونومیکس" تهران واکذار گردیده است که طبق نظر کارفرما عمل خواهد کرد. "پیمانکار موظف است کارها را بر طبق پیمان و اصول فنی و همچنین برطبق دستورات و تعليماتی که دستگاه نظارت در حدود مشخصات... پیمان می‌دهد، اجرا کند." به علاوه، در مواد ۴ و ۵ شرایط عمومی، دستگاه نظارت و ناظر مقیم چنین توصیف شده است: "کسی... که از طرف کارفرما یا دستگاه نظارت برای نظارت مستقیم در اجرای عملیات کارگاه تعیین و کتباء" به پیمانکار معرفی می‌شود".

۸۲ - در قرارداد همچنین مقرر شده است که "مهندس مقیمی" عهده‌دار نظارت خواهد بود: طبق ماده ۳۲ شرایط عمومی "کارفرما... می‌تواند توسط دستگاه نظارت یا مهندس مقیم و یا مأمورین دیگر عملیات پیمانکار را بازرسی کند." ماده ۳۳ به مهندس مقیم اختیار می‌دهد "... به نام نماینده کارفرما یا دستگاه نظارت در اجرای عملیات، نظارت دقیق به عمل آورد... و هرگاه عیب و نقصی در کار مشاهده نماید به پیمانکار دستور رفع آنها را بدهد." ماده مجبور مضافاً مقرر می‌نماید که "پیمانکار

مکلف است دستورات مهندس مقیم را در حدود مفاد این ماده به موقع اجرا بگذارد." در مواد ۱۸ و ۳۳ قرارداد مقرر شده است که "ناظارت ... از طرف کارفرما و یا نعایندگان او به هیچوجه از میزان ... مسئولیت [پیمانکار برای] حسن اجرای کلیه کارها... نمی‌کاهد."

۸۳ - در تعدادی از مواد، روش پرداخت وجوه موضوع قرارداد معین شده است. طبق ماده ۳۴ شرایط عمومی پیمانکار ملزم است ضمانتنامه باشکی معادل پنج درصد مبلغ اولیه قرارداد تسلیم نماید. قرار بود کارفرما ضمانتنامه مزبور را که هدف از آن "تضمين اجرای صحيح قرارداد" بود "به محض تصویب صورتمجلس تحويل موقت" آزاد نماید. ماده ۶ "شرایط اختصاصی" مقرر می‌دارد که علاوه بر ضمانتنامه مذکور در ماده ۳۴ شرایط عمومی پیمان، "پیمانکار ضمانتنامه‌ای به مبلغ ۳۹،۸۹۰،۰۰۰/- تاءumin نماید." در ماده ۶ همچنین قید شده است که این ضمانتنامه "در صورت عدم تطابق فعالیتهای پیمانکار با برنامه زمانی و نامناسب بودن کیفیت کار، تا تحويل موقت قابل تمدید خواهد بود."

۸۴ - ماده ۳۷ مقرر می‌دارد که دستگاه نظارت، با همکاری پیمانکار صورتحسابهای ماهانه‌ای براساس کارهای انجام شده و مصالح تحويل شده تنظیم خواهد کرد. قرار بود مغان صورتحسابهای مزبور را پس از کسر پاره‌ای اقلام، از جمله مبلغی معادل ده درصد رقم ناخالص هر صورتحساب، پرداخت نماید. طبق ماده ۳۵، قرار بود نصف مبلغی که بین ترتیب توسط مغان کسر می‌شد، پس از تصویب صورتحساب نهایی و نصف دیگر آن بلافاصله پس از تصویب "صورتمجلس قبولی قطعی" به آی‌سی‌سی پرداخت شود.

۸۵ - قلم دیگری که قرار بود از مبلغ صورتحسابها کسر شود، مربوط است به پیش‌پرداختی

معادل ۲۵ درصد مبلغ قرارداد که طبق ماده ۳۶ مغان ملزم به پرداخت آن بود. قرار بود مغان ده درصد مبلغ را به محض امضای قرارداد و ۱۵ درصد دیگر را در طول اجرای قرارداد توسط آی‌سی‌سی، پرداخت نماید. در مورد بازپرداخت این مبالغ، ماده ۳۶ مقرر داشته است که

بابت ده درصد... تا میزان دوازده درصد مبلغ ناخالص هر صورت وضعیت کسر خواهد شد. بابت سایر پیش‌پرداختها طبق تشخیص کارفرما درصدی از مبلغ ناخالص هر صورت وضعیت کسر می‌گردد به نحوی که کلیه مبالغ پیش‌پرداخت با آخرین صورت وضعیت موقت (صورت وضعیت ماقبل آخر) مستهلك شود.

برای تضمین بازپرداخت مبالغ، آی‌سی‌سی ملزم بود یک ضمانتنامه بانکی تسلیم نماید که مبلغ آن به نسبت کسور ماهانه کاهش می‌یافتد. بالاخره، ماده ۴۰، در شمار مطالب دیگر مقرر می‌نماید که "به محض آنکه تحويل موقت کارها انجام گرفت، دستگاه نظارت (یا جاشین آن) در معیت نماینده پیمانکار اقدام به اندازه‌گیری و تهیه صورت وضعیت قطعی کارهای انجام شده خواهد کرد".

۸۶ - ماده ۴ قرارداد برنامه زمانی اجرای کارها را معین می‌کند. به دنبال امضای قرارداد، آی‌سی‌سی یک ماه فرصت داشت که تجهیزات لازم را تهیه و کارگاه را آماده کند و پنج ماه دیگر نیز وقت داشت که عملیات را اجرا نماید. همین ماده همچنین مقرر می‌دارد که "شروع مدت پیمان عبارتست از تاریخ اولین صورتمجلس تحويل کارگاه..." آی‌سی‌سی ملزم بود ظرف این مدت پنج ماه حداقل ۹۷ درصد کار را تکمیل و درخواستی مبنی بر تحويل موقت کار به مغان تسلیم دارد. طبق ماده ۱۸ شرایط عمومی، آی‌سی‌سی مکلف بود که در خلال این مدت صورت وضعیتها را ماهانه تسلیم نماید. طبق ماده ۳۱، در صورت وقوع تغییرات در میزان یا کیفیت کار و یا در صورت بروز حادثه قبیری نظیر آنچه که در ماده ۴۳ بدان اشاره شده، تمدید مدت قرارداد با تصویب مغان، امکان پذیر بود. همچنین

رجوع شود به: بند ۷۳ بالا.

(چهار) - تاریخچه اجرای قرارداد

۸۷ - برنامه زمانی مورخ ۳۰ شهریورماه ۱۳۵۶ [۲۱ سپتامبر ۱۹۷۷] که آقای گرین از آیسیسی آن را امضا کرده است، حاکی است که قرار بوده کار در آن تاریخ آغاز و تا ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] به اتمام رسد. لیکن در نامه مورخ دهم آبانماه ۱۳۵۶ [اول نوامبر ۱۹۷۷] مغان به آیسیسی اشاره شده است که "فعالیت قرارداد مذکور از تاریخ ۱۶/۷/۲۵۳۶" [هشتم اکتبر ۱۹۷۷] شروع می‌شود." در نامه مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۵۶ [پنجم نوامبر ۱۹۷۷] مغان دایر بر اینکه "...بیست و پنج روز از تحويل زمین برای اجرای عملیات می‌گذرد" نیز به تاریخ ۱۶ مهرماه [هشتم اکتبر] اشاره شده است. مکاتبات مختلفی حاکی از خرید تجهیزات، احداث بخشی‌های مسکونی، استخدام و معرفی افراد توسط آیسیسی در حوالی آن دوره است. در ششم آبانماه ۱۳۵۶ [۲۸ اکتبر ۱۹۷۷] آیسیسی ترتیب گشایش اعتبارات استنادی شماره ۷۰۰۸۵ و ۷۰۰۸۷ را به نام بانک ملی داد، که مبلغ آنها به ترتیب ۱۱،۲۴۱،۰۰۰ و ۵۶،۰۰۰،۰۰۰ ریال بود. در ۱۷ آذرماه ۱۳۵۷ [هشتم دسامبر ۱۹۷۸] مبلغ اخیرالذکر به ۲۷،۴۹۱،۶۷۱ ریال کاهش داده شد. همچنین در ششم آبانماه ۱۳۵۶ [۲۸ اکتبر ۱۹۷۷] اعتبار استنادی شماره ۷۰۰۸۶ به مبلغ ۱۹،۴۱۸،۵۰۰ ریال صادر گردید. اعتبار استنادی مذکور بعداً منقضی شد.

۸۸ - مغان طی نامه‌های مورخ ۱۰ و ۱۴ آبانماه و ۲۴ آذرماه ۱۳۵۶ [اول و پنجم نوامبر و ۱۵ دسامبر ۱۹۷۷] به آیسیسی شکایت کرد که آیسیسی از برنامه پروژه عقب مانده و وی را ترغیب کرد که در انجام کارها تسریع به عمل آورد. در نامه بدون تاریخی از مغان که در آن، به نامه مورخ ۳۰ آذرماه ۱۳۵۶ [۲۱]

دسامبر ۱۹۷۷] اشاره شده، خاطرشنان گردیده است که تا علیرغم "امکان کاشت بموقع را سلب نموده و شرکت را با خسارات جبران ناپذیر مواجه خواهد ساخت." مغان طی نامه مورخ ۱۱ دیماه ۱۳۵۶ [اول ژانویه ۱۹۷۸] خواست که ظرف ۷۰ روز وضعیت بهبود یابد. مغان عدم پیشرفت کار را معلول فقد توانایی فنی و اجرایی از ناحیه نماینده مقیم آی‌سی‌سی، فقد نیروی انسانی و وسائل لازمه و مشکلات تدارکاتی در دفتر مرکزی آی‌سی‌سی در تهران دانست. این نامه همچنین حاکی است که آقای گرین "به عنوان معالجه به خارج از کشور مسافرت نموده" و در آن توصیه شده که "پس از بازگشت به ایران از طریق مقامات مسئول ترتیبی داده شود که تا پایان تعهدات خود نسبت به قرارداد از خروج او جلوگیری به عمل آورند."

۸۹ - در تاریخ ۱۳ دیماه ۱۳۵۶ [سوم ژانویه ۱۹۷۸] آی‌سی‌سی دو نفر مهندس کشاورزی "جهت مساعدت بیشتر" و سرعت بخشیدن به کارها معرفی نمود. در ۲۴ دیماه ۱۳۵۶ [۱۴ ژانویه ۱۹۷۸] آقای عالمزاده سرپرست نظار مقیم به آی‌سی‌سی اطلاع داد که "مدت یکماه جهت شروع فصل زمستان و تعطیلی متناوب کارگاه برآثر بارندگی در مدت اجرای قرارداد به مدت کلی قرارداد اضافه شده است." آقای عالمزاده همچنین ذکر کرد که "بنابراین آن شرکت موظف است کلیه مفاد قرارداد مورد پیمان را به مدت شش ماه انجام نماید و تعطیل شدن کارگاه به علت بارندگی دلیل بر تا علیرغم کار نخواهد بود." نامه مورخ سوم بهمن ماه ۱۳۵۶ [۲۳ ژانویه ۱۹۷۸] مغان به آی‌سی‌سی که در آن ذکر شده است که "بیشتر درختان میوه ۱۵۲۲ هکتار... کاشته شده است" هشداری بود به آی‌سی‌سی در مورد صدمه احتمالی به درختها و از آی‌سی‌سی تقاضا می‌کرد ظرف یک هفته یک برنامه زمانی کار تهیه نماید.^(۵)

۹۰ - تعدادی از مکاتبات ثابت می‌کند که آی‌سی‌سی در آن زمان تلاش‌های جدی برای سرعت بخشیدن به کارها به عمل می‌آورد. برنامه کار مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۶

(۵) در جلسه استماع، خوانندگان اظهار داشتند که لازم بود در زمستان قلمه‌ها کاشته شوند تا در آوریل میوه بدھند.

[پنجم فوریه ۱۹۷۸] نشان می‌دهد که آئی‌سی‌سی قصد داشت بعضی قطعات زمین را تا ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۷ [۱۵ آوریل ۱۹۷۸] مورد آزمایش قرار دهد تا مطمئن شود که کار به اتمام رسیده است. به طوری که رسیدها دلالت می‌کند، مغان مواد و مصالح گوناگونی در اختیار آئی‌سی‌سی گذاشت. گزارش وضعیت مورخ دوم اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۱ فوریه ۱۹۷۸] آئی‌سی‌سی حاوی شرح عملیات گوناگون مانند اجاره تجهیزات اضافی و واگذاری پاره‌ای کارها به پیمانکاران فرعی است.

۹۱ - در نامه بدون تاریخی از آقای شهیمیرزادی از دفتر نظارت در تهران، عطف به نامه مورخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸]، ذکر شده است که "رقم ۷۷ در صد اشتباه است و رقم واقعی پیشرفت کار ۳۹ در صد می‌باشد. جلسات پیگیری هفتگی کماکان ادامه داشته و تذکرات لازم نیز به پیمانکار داده خواهد شد." در صورت جلسه مورخ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۷ [نهم آوریل ۱۹۷۸] نواقص و نارساییهای موجود در آن وقت تشریح شده و حاکی است که قسمتهای پروژه در مراحل مختلف پیشرفت بوده است. به همین گونه، در نامه‌ای از مغان به آئی‌سی‌سی که ظاهراً در آوریل ۱۹۷۸ فرستاده شده، خسارات واردہ به درختان میوه به تفصیل ذکر شده است. در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۵۷ [۱۴ آوریل ۱۹۷۸] ناظرین به مغان گزارش دادند که پیشرفت کار در فروردین ماه ۱۳۵۷ [۲۲ مارس تا ۲۲ آوریل ۱۹۷۸] "جماعاً حدود ۸ درصد می‌باشد.

۹۲ - به دنبال مذاکراتی که با مهندسین ناظر و مغان صورت گرفت، آئی‌سی‌سی در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۱۳ مه ۱۹۷۸] گزارشی تحت عنوان: "گزارش اقدامات و برنامه اصلاحی و تسریعی این شرکت در جهت ترمیم مشکلات و تکمیل سیستم آبیاری قطره‌ای" تسلیم کرد. برنامه مذبور شامل برنامه زمانی جدیدی بود که در آن پیش‌بینی شد که قطعه اول تا دهم خردادماه ۱۳۵۷ [۳۱ مه ۱۹۷۸] و قطعه

نهایی تا ۲۳ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۵ اکتبر ۱۹۷۸] به اتمام برسد.^(۶) مغان با این برنامه زمانی موافقت کرد. موعد این مطلب، مدارکی از جمله نامه مورخ ۱۲ خردادماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئن ۱۹۷۸] و نامه مورخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸] به آی‌سی‌سی است که در آن به "آخرین برنامه زمانی ارائه شده توسط آن شرکت که مورد تأمین قرار گرفته بود" اشاره شده است. همچنین رجوع شود به: بند ۹۴ زیر. در نامه مورخ ۱۵ خردادماه ۱۳۵۷ [پنجم ژوئن ۱۹۷۸] آی‌سی‌سی به مهندسین ناظر قید شده است که آی‌سی‌سی برای اجرای برنامه تکمیل طرح، مدیران جدید، گروهی کارشناس و تعداد قابل ملاحظه‌ای کارگر جدید استخدام کرده است.

۹۳ - پیشرفت‌های حاصله در طول چند ماه بعد از ژوئن ۱۹۷۸ در تعدادی از مکاتبات، از جمله گزارش‌های پیشرفت کار تسليمی توسط مهندسین ناظر به مغان منعکس شده است. تا تاریخ ۲۴ خردادماه ۱۳۵۷ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۸] ۶۲/۰۴ درصد کل کار انجام شده بود که این رقم، ۷/۵ درصد افزایش نسبت به ماه قبلی نشان می‌داد. تا ۳۱ تیرماه ۱۳۵۷ [۲۲ ژوئیه ۱۹۷۸] این درصد به ۶۶/۵۴ رسید. در ۱۱ مردادماه ۱۳۵۷ [دوم اوت ۱۹۷۸] آی‌سی‌سی از مهندسین ناظر درخواست کرد که سه قسمت از قطعات پروژه را موقتاً تحويل بگیرند و اعلام کرد که "بیش از ۹۷ درصد کارهای لازم در قطعات فوق الذکر انجام یافته است". طبق برنامه زمانی جدید، این سه قطعه که حدوداً معادل یک سوم کل مساحت پروژه بود، قرار بود بین هشتم و ۲۴ مردادماه ۱۳۵۷ [۳۰ ژوئیه و ۱۵ اوت ۱۹۷۸] به

(۶) مغان بعداً تصمیم گرفت عملیات مربوط به قطعه نهایی را "به سالهای آتی" موقول کند. قطعه قبلی قرار بود تا ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸] به اتمام رسد.

اتمام رسد. در پاسخ، مهندسین ناظر به آی‌سی‌سی اطلاع دادند که "قطعات فوق به علت وجود نواقص زیر که مانع از استفاده صحیح از سیستم می‌گردد قابل تحويل وقت نیست" و یادآور شدند که لازمست کارهای جدیدی بابت تعویض و نصب انجام شود، "به طوری که حداقل ۹۷ درصد کل کار به اتمام رسیده باشد".

۹۴ - در ۲۸ مردادماه ۱۳۵۷ [۱۹ اوت ۱۹۷۸] مهندسین ناظر گزارش کردند که ۷۰/۷۴ درصد طرح به اتمام رسیده است. در نامه مورخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۷] سپتامبر ۱۹۷۸] مغان به آی‌سی‌سی بقیه "نواقص مفصل" ذکر گردیده و از آی‌سی‌سی خواسته شده است "ترتیبی اتخاذ شود که جهت جلوگیری از تاعییر بیشتر در کار، با افزایش [تعداد کارگران] و تهیه سریع وسائل باقیمانده هرچه سریعتر نسبت به تکمیل و آماده نمودن سیستم جهت تحويل وقت اقدامات لازم به عمل آید". در گزارش پیشرفت مورخ سوم مهرماه ۱۳۵۷ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸] میزان تکمیل کار ۷۴/۴۴ درصد ذکر شده است. مهندسین ناظر طی نامه مورخ ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۸] گزارشی از اقدامات انجام شده در نتیجه "جلسات طولانی که با حضور... در مغان تشکیل گردید" به مغان تسلیم کردند. مدیر دفتر نظارت طرح در تهران، ضمن اشاره به برنامه اصلاحی تکمیل طرح، در پایان نامه اظهار داشت:

این مهندس مشاور... ضمن اینکه بیش از این قادر به تحمل ضرر و زیان نسبت به کارهای موضوع این قرارداد نیست، امیدوار است که کار احداث این شبکه طبق این برنامه خاتمه یابد، زیرا برنامه اجرایی و نیروی انسانی پیشنهادی شرکت اینترنشنال کانسٹراکشن برای اولین بار با معنی و قابل قبول می‌باشد.

۹۵ - در گزارش بعدی مهندسین ناظر به تاریخ سوم دیماه ۱۳۵۷ [۲۴ دسامبر ۱۹۷۸] تأیید شده که ۸۲/۶۴ درصد کل کار انجام شده است. این گزارش همچنین حاکی است که عملیات در شرف توقف بوده است. کار انجام شده طی ماه قبل فقط ۱/۷

درصد بود. در گزارش توضیح داده شده که "به علت عدم پرداخت حقوق ماهانه کارگران و کارکنان شرکت و همچنین غیبت مسئولین کارگاه و اخراج عده‌ای از کارگران فعالیت چشمگیری مشاهده نمی‌گردد." به همینگونه در گزارش داخلی مورخ ۱۶ دیماه ۱۳۵۷ [ششم ژانویه ۱۹۷۹] مهندسین ناظر ذکر شده است که "... به علت اعتراضات، مسئولین... مغان در محل کار حاضر نبودند و لذا امکان تحويل تجهیزات قطعه K مقدور نبوده است." نسخه‌ای از این گزارش در ۲۳ دیماه ۱۳۵۷ [۱۳ ژانویه ۱۹۷۹] برای مغان فرستاده شد.

۹۶ - نامه بعدی که در سوابق موجود است نامه مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۷ [۱۷ مارس ۱۹۷۹] است. در نامه مزبور آی‌سی‌سی به مهندسین ناظر مقیم شکایت می‌کند که دستگاه تزریق کود که توسط آی‌سی‌سی طبق مشخصات قرارداد خریداری شده به خوبی کار نکرده و لذا جریان کار را مختل ساخته است. در نامه همچنین از مهندسین ناظر تقاضا شده است که برنامه زمانی مربوط برای اتصال لوله به ایستگاه قطعه یک را که طبق برنامه زمانی آخرین قطعه‌ای بود که باید به اتمام می‌رسید، تهیه نمایند. در پیام رادیوئی مورخ نهم فروردین ماه ۱۳۵۸ [۲۹ مارس ۱۹۷۹] که بنا به تأیید خوانده در جلسه استماع، از دفتر طرح مغان در تهران به مهندسین ناظر مقیم خود در کارگاه مخابر شده، اظهار شده است که آی‌سی‌سی "آمادگی خود را برای تحويل موقت سیستم آبیاری قطره‌ای اعلام داشته" و از نظر خواسته شده "دستور فرمایند شما نیز تاریخ آمادگی را اطلاع دهید تا نسبت به اطلاع تاریخ تحويل موقت به مهندس مشاور و پیمانکار هرچه زودتر اقدام لازم معمول گردد."

۹۷ - در پاسخ، مهندسین ناظر در ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [چهارم مه ۱۹۷۹] به آی‌سی‌سی و کارفرما اطلاع دادند که "تاریخ تشکیل کمیسیون تحويل موقت... ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [دهم مه ۱۹۷۹] می‌باشد". خواندگان متن دیگری از این نامه تسلیم کرده‌اند که تاریخ تشکیل کمیسیون در آن، ۲۰ خردادماه ۱۳۵۸ [دهم ژوئن

[۱۹۷۹] ذکر شده است. مهندسین دستگاه نظارت ضمن تقاضا از آی‌سی‌سی برای "معرفی و اعزام نماینده... جهت تشکیل کمیسیون تحويل" از وی خواستند "ترتیبی انخاذ شود که نسبت به رفع نواقص مشروح... طوری اقدام گردد که اقلال" نواقص موجود کمتر از ۳ درصد کل کار" گردد.^(۷) در نامه مذبور هفت قلم کار باقیمانده ذکر شده است. در ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [نهم مه ۱۹۷۹] آی‌سی‌سی دو نماینده، مشخصاً به منظور "رسیدگی به کارها و رفع نواقص موجود" به مغان معرفی کرد.

۹۸ - غیر از نامه مورخ ۲۶ خردادماه [۱۶ ژوئن] آی‌سی‌سی که طی آن آقای آذری آقای آرامی را معرفی کرد و اطلاعیه مورخ ۲۸ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئن ۱۹۷۹] مبنی بر تغییر نشانی دفتر آی‌سی‌سی در تهران، در سوابق پرونده نامه دیگری راجع به دوره بعد تا اواسط سپتامبر ۱۹۷۹ موجود نیست. در ۲۳ شهریورماه ۱۳۵۸ [۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹] آقای گرین طی نامه‌ای از ایالات متحده به آقای عالمزاده مدیر دستگاه نظارت اطلاع داد که، بنا به اظهار آقای آذری "کار عمده" به انجام رسیده است. نامبرده ضمن ذکر نمونه‌هایی از کار اضافی که انجام آن از آی‌سی‌سی خواسته شده بود، از آقای عالمزاده خواست که به نهایی کردن "این اقلام باقی مانده" به ترتیبی که در "درخواستهای مختلف سفارش کار" ارسالی آی‌سی‌سی به مهندسین ناظر منعکس است، به آی‌سی‌سی کمک کند. مغان طی نامه ۱۴ مهرماه ۱۳۵۸ [ششم اکتبر ۱۹۷۹] به آی‌سی‌سی، ضمن اشاره به اینکه "کارگاه آن شرکت تعطیل و حاضر به ادامه کار نمی‌باشد" اخطار کرد "در صورتی که ظرف ۱۵ روز از وصول این نامه اقدام به شروع کار ننمایید... دو فقره ضمانتنامه... ضبط" خواهد شد. در سوابق، مکاتبه دیگری راجع به مرحله آخر رابطه قراردادی طرفین، به طوری که در بند ۷۲ بالا نظر داده شد، وجود ندارد.

(۷) با توجه به این موضوع، محتمل به نظر می‌رسد که جلسه (کمیسیون) در واقع برای تاریخ اخیر، یعنی ۲۰ خردادماه ۱۳۵۸ [دهم ژوئن ۱۹۷۹] در نظر گرفته شد.

(بنج) - ارزیابی دیوان

۹۹ - دیوان توجه دارد که خلاصه رویدادها به شرح فوق، تا آنجا که گویای گزیده‌ای از مدارک موجود است، باید در پرتو نظرات مندرج در بندهای ۶۴ الی ۶۶ فوق ملاحظه شود، اما در عین حال تصویر حاصله از مکاتبات منتقل در فوق و از سایر مدارک موجود در پرونده، به دیوان امکان می‌دهد که نتیجه‌گیریهای راجع به اجرای قرارداد توسط طرفین به عمل آورد. در بخش زیر، سلسله ملاحظاتی فهرست وار در تائید موضع خواهان درج شده است که نمایانگر پراکندگی و یکدست نبودن ادله موجود است و در بخش بعد از آن، عوامل چندی که موضع خواندگان را تائید می‌کند بر شمرده شده و سپس خلاصه‌ای از نتیجه‌گیریهای دیوان ذکر می‌گردد.

(۱) - ملاحظاتی که به نفع موضع خواهان است

۱۰۰ - همه قرائن حاکی از آن است که مدت زمان اجرای قرارداد که برای آی‌سی‌سی اختصاص داده شده بود، بسیار فشرده بود. حتی در اسناد مناقصه، پیش‌بینی شده بود که تاریخ تکمیل پایان نوامبر ۱۹۷۷ خواهد بود، درصورتی که قرارداد در ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۶ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۷] به امضا رسید و تاریخ شروع به ۳۰ شهریورماه ۱۳۵۶ [۲۱ سپتامبر ۱۹۷۷] تغییر داده شد و نهایتاً "مغان کارگاه را تنها در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۵۶ [هشتم اکتبر ۱۹۷۷] تحويل داد. به طوری که مهندسین ناظر تائید کردند، اوضاع فصل زمستان و بارندگیهای متناوب مانع کار بروزه و منجر به آن شد که مدت اجرای قرارداد طبق توافق یک ماه تمدید گردد. اصلاحیه تمدید قرارداد اشاره به مشکلات "ناشی از زمان اجرای قرارداد و مشکلات حاصل از تلاقی اجرای کار با فصل زمستان" دارد.

۱۰۱ - برنامه نصب نشان می‌دهد که قرار بود درختها تدریجاً ظرف دوره‌ای که از ۲۵

دیماه ۱۳۵۶ آغاز می شد و تا اول فروردین ماه ۱۳۵۷ [۱۵] ژانویه تا ۲۱ مارس ۱۹۷۸] به پایان می رسید، کاشته شوند. با این صف، همانطور که خود مغان اظهار داشته اکثر درختان تا سوم بهمن ماه ۱۳۵۶ [۲۳ ژانویه ۱۹۷۸] کاشته شده بود. به طوری که در نامه مورخ ۲۳ شهریور ماه ۱۳۵۸ [۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹] آقای گرین تائید شده، این امر بار سنگینی بر دوش آیسی سی گذاشت. پس از توافق طرفین در مورد برنامه ترمیم و تسریع کار در مه ۱۹۷۸، پروژه وضعیت جدیدی پیدا کرد. در این برنامه که مهندسین ناظر آن را به عنوان برنامه ای با معنی و قابل قبول توصیه کردند، تاریخ اتمام کار پاییز ۱۳۵۷ پیش‌بینی شد. قرانی وجود دارد که نشان می دهد آیسی سی پس از استخدام عده کثیری کارگر و کارمند جدید، کمابیش طبق برنامه زمانی جدید پیش می رفت. در اوت ۱۹۷۸، آیسی سی درخواست کرد که سه قطعه، که طبق برنامه زمانی قرار بود در حوالی آن زمان تکمیل شود، به طور موقت تحويل گردد. در پایان سال ۱۹۷۸، ۸۲/۶۴ درصد کل کار انجام شده بود. برآورد مزبور، که توسط مهندسین ناظر به عمل آمد، موعد این اظهار خواهان است که پروژه "عمدتاً" تکمیل شده بوده است.

۱۰۲ - این واقعیت که پروژه بعد از آن متوقف شد، با تصویر کلی از هم گستگی امور که وجه مشخصه ایران در ماههای منتهی به پیروزی انقلاب بود هماهنگی دارد.
رجوع شود به: حکم شماره ۱۳۵-۳۲-۱، صفحات ۲۲-۲۳ مورخ اول تیرماه ۱۳۶۳ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده سی - لند سرویس، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در ۱۴۹,۱۶۵ C.T.R. Iran-U.S. 6. آیسی سی با شرایط فورس مازوری رو برو شد که در نتیجه اعتصابات، اغتشاشات و نا آرامیهای دیگر داخلی در طول انقلاب پدید آمده بود. رجوع شود به: قرار اعدادی شماره ۲۴-۴۹-۲، صفحات ۱۰-۱۱ مورخ پنجم مردادماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳] در پرونده گولد مارکتینگ، اینک و وزارت دفاع ملی ایران، چاپ شده در ۱۴۷,۱۵۲-۵۳ C.T.R. Iran-U.S. 3. اظهارات مهندسین

ناظر در گزارش مورخ ۱۶ دیماه ۱۳۵۷ [ششم ژانویه ۱۹۷۹] مبنی بر اینکه "... به علت اعتصابات، مسئولین... مغان در محل کار حاضر نبودند" موعد وقوع فورسماژور در منطقه مغان است. بدیهی است که شرایط مزبور بر کار دفتر آی‌سی‌سی در تهران نیز اثر نامطلوبی به جای می‌گذاشت.

۱۰۳ - وضعیت فورسماژور به انحصار مختلف مانع فعالیتهای آی‌سی‌سی می‌شد. اعتصابات باعث شد که آی‌سی‌سی تعدادی از کارکنان خود را عوض کند. گزارشی دستگاه نظارت مضافاً حاکی از آن است که چنانکه در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران ملاحظه شد، (حکم شماره ۱۸-۶۴-۱، صفحه ۱۹، چاپ شده در ۸ Iran-U.S. C.T.R. 298,310) ("سیلوانیا")، فورسماژور "مانع همکاری از طرف خواهان شد که خواهان برای ادامه خدمات قراردادی اش به آن احتیاج داشت." به عنوان مثال، غیبت مسئولین مغان، تلاشی‌های آی‌سی‌سی را برای تحويل موقت قسمتی از کار خنثی کرد و نیز چنانکه مهندسین ناظر به عدم پرداخت حقوقها و دستمزدها اشاره کرده‌اند، مانع رسیدگی به صورتحسابهای آی‌سی‌سی و پرداخت آنها شد. رجوع شود به: صفحه ۱۸ همان مأخذ، چاپ شده در 309. 8 Iran-U.S. C.T.R. at دیوان ملاحظه می‌نماید که به طوری که سوابق نشان می‌دهد، آی‌سی‌سی پس از آنکه در ۱۷ مردادماه ۱۳۵۷ [هشتم اوت ۱۹۷۸] تقاضا کرد که مغان "هزینه‌های ضروری و اولیه این شرکت را تاءدیه نماید"، در ۲۶ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۸ اکتبر ۱۹۷۸] مبلغ ۴۰۰،۷۷۰ دلار به ایران حواله کرد.(۸)

(۸) در اینجا، دیوان به این اظهارنظر خود در پرونده اول لوت درباره مدارک هزینه‌های مورد ادعا در آن پرونده نیز توجه دارد که "وجود این پروژه متقاضن [مغان] با توجه به ماهیت کلی قسمت اعظم ادله و مدارک خواهان که غالباً ارتباط هزینه‌ها با هر پروژه خاصی در آنها مشخص نشده، مشکلی جدی از نظر ارتباط هزینه‌ها با هر یک از پروژه‌های آی‌سی‌سی ایجاد می‌کند." حکم شماره ۲۹۷-۲۹۷-۱، بند ۴۲ در پرونده اول لوت، چاپ شده در 204 Iran-U.S. C.T.R. 14. هنگامی که دیوان این موضوع را در جلسه استماع پرونده حاضر مطرح ساخت، خواهان ادعا کرد که هزینه‌های مورد ادعا منحصراً" مربوط به پروژه مغان بوده است.

۱۰۴ - در پرونده قراشی در تائید این مطلب وجود دارد که ناآرامیهای انقلاب نه تنها موجب تاعیر در پروژه شد، بلکه موجب ورود خساراتی به کارهای انجام شده نیز گردید. در نامه مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [چهارم مه ۱۹۷۹] مهندسین ناظر به "شکسته شدن شیرهای تنظیم فشار" اشاره و ظاهرًا پارهای از کارها نام برده شده که طبق گزارش پیشرفت کار مورخ سوم دیماه ۱۳۵۷ [۲۴ دسامبر ۱۹۷۸] مهندسین ناظر قبل اتمام یافته بوده است. این آسیب دیدگیها بر حجم کار آیسیسی افزود و موجب شد که آن شرکت متحمل هزینه‌های ترمیم شود، که طبق ماده ۴۳ شرایط عمومی، مغان ملزم به جبران آن بود. رجوع شود به: بند ۷۳ بالا در مورد تاعیرهایی که بر اثر این عوامل حاصل شد، گرچه اطلاعیه تمدیدی در سوابق وجود ندارد و بنا به اظهار خواندگان در جلسه استماع، انقلاب فقط موجب تاعیری به مدت یک ماه شد، به نظر دیوان عوامل فوق ایجاب می‌کرد که قرارداد به مدت مددی تمدید گردد. رجوع شود به: ماده ۳۱ شرایط عمومی. در این رابطه، دیوان همچنین ملاحظه می‌نماید که در پرونده مدرکی وجود ندارد که مغان از حق خود طبق ماده ۵۰ شرایط عمومی استفاده کرده جرایم دیرکرد مطالبه کرده باشد.

۱۰۵ - ماده ۳۱ همچنین اجازه می‌داد که مدت قرارداد در صورت تغییر میزان یا کیفیت کار تمدید گردد. خواهان اظهار می‌دارد که مغان کرارا" مشخصات را تغییر می‌داد و دستور انجام کارهای جدید صادر می‌کرد. این واقعیت که در مواد ۲۹ و ۳۰ شرایط عمومی، افزایش کمیت کار تا میزان ۲۵ درصد و سفارش کارهای جدید تا ۱۰ درصد مبلغ اولیه پیش‌بینی شده است، بر قابل قبول بودن اظهارات خواهان می‌افزاید. پرونده امر حاوی ادله و مدارکی است حاکی از آنکه تعدادی از موارد تاعیر قابل انتساب به خواندگان بوده است. برای مثال، در نامه مورخ ۲۳ شهریور ماه ۱۳۵۸ [۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹] آقای گرین به انگجار لوله‌های ایرانیت که توسط مغان نصب شده بود اشاره شده و آقای دلاراتا در جلسه استماع شهادت داد که مغان از

فیلترهای قطره چکان به طور صحیح استفاده نمی‌کرد. رویدادهایی از این قبیل احتمالاً موجب آسیب دیدگیها و تاعخیرهای بیشتری شد. دیوان همچنین خاطرنشان می‌سازد که تقسیم اختیارات و دستگاه نظارت به ترتیبی که در قرارداد تعیین شده بود، روش نبود و یقیناً مراحم اجرای کارآمد قرارداد شده بوده است.

۱۰۶- پیام رادیویی مورخ نهم فروردین ماه ۱۳۵۸ [۲۹ مارس ۱۹۷۹] مغان نشان می‌دهد که در آن زمان آی‌سی‌سی، پس از انجام تعمیرات و کار اضافی پروژه را آماده تحويل موقت می‌دانست. صورت مختصری از نواقص باقیمانده که مهندسین ناظر مشخص کرده بودند، بیانگر آن است که پروژه در واقع مجدداً به مرحله تکمیل نزدیک شده بود و انتخاب تاریخ ۲۰ خردادماه ۱۳۵۸ [دهم ژوئن ۱۹۷۹] توسط مهندسین ناظر برای تشکیل کمیسیون تحويل موقت موعد این نتیجه‌گیری می‌باشد. این واقعیت که مغان، با وجود این کار را تحويل نکرفت، یقیناً موجب تشدید مشکلات مالی مورد بحث در بند ۱۰۳ بالا شده بوده است. دیوان ملاحظه می‌نماید که آی‌سی‌سی در تاریخ ششم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۶ آوریل ۱۹۷۹] مبلغ ۴۹،۷۰۵/- دلار به ایران حواله کرد.

۱۰۷- مشکلات مالی که بدانها اشاره شد حاکی از آن است که هزینه‌هایی که آی‌سی‌سی بر اثر تاعخیرات، آسیب دیدگیها و کار اضافی متتحمل شده بود، به طور کامل جبران نشده است. در سوابق پرونده چندین نشانه دیگر وجود دارد که به همین نتیجه‌گیری منجر می‌شود. اظهارنامه‌های مالیاتی سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ آی‌سی‌سی نشان می‌دهد که آن شرکت حدود ۲۲۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال در طول دوره قرارداد دریافت کرد. این اظهار خواندگان که آی‌سی‌سی در واقع می‌باشد مبلغ ۱۹۱،۴۸۱،۰۴۴/- ریال وصول کرده باشد، بر قابل قبول بودن این رقم درآمد می‌افزاید. خواهان اظهار می‌دارد که کل رقم هزینه‌های آی‌سی‌سی در طول مدت قرارداد بالغ بر ۳۱۱،۲۰۰،۳۴۶ ریال بوده است. رقم مزبور شامل هزینه‌های

اداری و غیر مستقیمی است که خواهان به پروژه نسبت می دهد. حتی اگر با دید محافظه کارانه‌ای فقط هزینه‌های غیر مستقیم^(۹) در نظر گرفته شود، باز هم اظهارنامه‌های مالیاتی نمایانگر هزینه‌هایی در حدود ۲۷۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال می باشد. بر مبنای این رقم هزینه‌های آی‌سی‌سی به میزان ۵۰،۰۰۰ ریال از درآمد حاصله وی از قرارداد فزونی داشته است. این استدلال مغان که به آی‌سی‌سی در واقع اضافه پرداخت شده، با این واقعیت منافات دارد که طبق ماده ۳۷ شرایط عمومی، پرداخت کلیه صور تحسابها می باشد به تصویب مهندسین ناظر می رسید. لازمه اضافه پرداخت، عدم دقت از جانب مهندسین ناظر بوده، ولی نشانی از چنین غفلتی در سوابق مشهود نیست. علاوه بر این، ولو اینکه کارفرما طبق ماده مجبور اجازه داشت صور تحسابهای حاوی مبالغ اضافی را اصلاح نماید، با این وصف مدرکی حاکی از اینکه مغان در آن زمان به مبالغ مورد مطالبه اعتراض کرده باشد در دست نیست. این تصور که به آی‌سی‌سی اضافه پرداخت شده، در پرتو این واقعیت که وضعیت فورس‌ماژور برای مدتی مانع رسیدگی به صور تحسابها و لذا پرداخت آنها به آی‌سی‌سی گردید، حتی غیر محتمل تر می شود. رجوع شود به بند ۱۰۳ بالا. به علاوه، مواد ۴۰ و ۵۲ شرایط عمومی مشخص کرده است که پس از تحويل موقعت کار، صورت وضعیت نهایی به چه نحو تسلیم، ارزیابی و پرداخت گردد. با توجه به این چارچوب، این واقعیت که کار تقریباً پایان یافته ولی قبول موقعت آن صورت نگرفته بود، موعد این استنباط است که در آن مرحله، هزینه تمام کارهای انجام شده هنوز به آی‌سی‌سی پرداخت نشده بوده است.

(۹) با در نظر گرفتن مشکلات ذاتی مربوط به انتساب و تخصیص هزینه‌های غیر مستقیم، به ویژه هنگامی که بیش از یک پروژه در کار باشد، منطقی به نظر می رسد که در مورد هزینه‌های غیر مستقیم و اداری مورد استناد خواهان، با احتیاط عمل شود.

۱۰۸ - بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که آی‌سی‌سی کارهایی را طبق قرارداد انجام داده که وجه آن را دریافت نکرده است. لیکن، اینکه آیا مبلغ مورد بحث در جریان این رسیدگی قابل وصول است یا خیر، بستگی به اعمال پاره‌ای تعديلات به نفع خوادگان دارد که به تفصیل بیشتر در بندهای ۱۰۹ الی ۱۱۶ زیر مورد بحث واقع شده است.

(۲) - ملاحظاتی که به نفع موضع خوادگان است

۱۰۹ - ملاحظات مندرج در بندهای ۱۰۰ تا ۱۰۸ بالا موضع خواهان را تأیید می‌کنند. لکن پرونده امر، تردیدهایی ایجاد می‌کند که برخی از آنها ناظر به همان موضوعاتی است که در بالا مورد بحث قرار گرفت. دیوان به عنوان اظهارنظر مقدماتی، به طور کلی خاطرنشان می‌سازد که قصور خوادگان در اجرای دستور دیوان برای ارائه مدارک رجوع شود: بند ۶۴ بالا - خواهان را از تعهد خود به فراهم آوردن کلیه ادله مثبته‌ای که در اختیار دارد مبری نمی‌سازد. این تعهد از ماده ۲۴ قواعد دیوان ناشی می‌شود که مقرر می‌دارد "هر یک از طرفها مسئول اثبات واقعیاتی است که در تأیید ادعا یا دفاع خود بدانها استناد کرده است". مطالبی که خواهان و آقای دلارانا ابراز کرده‌اند تا حدود زیادی مبنی بر اطلاعاتی بوده که از سایر مسئولین و کارشناسان آی‌سی‌سی دریافت کرده بودند، که هیچیک از آنان در جلسه استماع حاضر نشده و یا شهادت‌نامه‌ای تسلیم نکرده‌اند. ظاهراً، یک اختلاف مالی با خواهان مانع از آن شد که آقای گرین از جانب آی‌سی‌سی شهادت دهد. لیکن، این امر را باید مسائله داخلی خواهان دانست که اثر مترتب بر آن اینست که پرونده فاقد شهادت ظاهراً با ارزشی است. علاوه بر این، سوء تفاهمات بین خواهان و آقای گرین فقد شهادت از سایر منابع را توجیه نمی‌کند.

۱۱۰ - اجرای قرارداد توسط آی‌سی‌سی خالی از اشکال به نظر نمی‌آید. استنباط دیوان اینست که آی‌سی‌سی نیازهای این پروژه را دست کم گرفته بوده است، به ویژه

اینکه آی‌سی‌سی متعهد شده بود که طرح را ظرف مدت زمانی بس کوتاه که از واقع‌بینی به دور بود به اتمام رساند. به طوری که از مکاتبات متعدد مغان و مهندسین ناظر مشهود است، آی‌سی‌سی کار را به کندی آغاز کرد. مدت یک ماه مقرر در قرارداد برای بسیج و تدارک در عمل برای خرید و وارد کردن کلیه مواد و مصالح لازم و استخدام و تعلیم پرسنل واجد شرایط بسیار کوتاه بود. خواهان که در اجرای طرح‌های [مشابه] در محیط‌های خارجی تجربه داشت، می‌بایستی این نکته را تشخیص می‌داد.

۱۱۱ - تauxirhāy evelīh hēmčinī mazām ājraī mārħle dūm kār nīz sh̄d. Nāmehā wa kżarshēhā arsalī az novamber 1977 ta bħar 1978 ḥkāiyt az ān dārñed khe Mġan u Mhendissen nاظر ضمّن مراقبت و نظارت دقیق بر تحولات کارگاه پروژه، مرتباً به پیمانکار اصرار می‌کردند که به کار سرعت بخشد، نواقص را خاطرنشان و کارهای باقی مانده‌ای را که می‌بایستی انجام شود مشخص می‌کردند. صورت مذاکرات جلسه‌ای که در ۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۷ [نهم آوریل ۱۹۷۸] تشکیل شد و آقای گرین هم آن را امضا کرد، گواه بر اذعان آی‌سی‌سی به نواقص و تauxirhāy مذکور در صورتجلسه است. گرچه مغان اصلاحیه برنامه تکمیل مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۱۳ مه ۱۹۷۸] آی‌سی‌سی را پذیرفت، با این وصف در چندین مورد، حق مطالبه خسارات ناشی از تauxirhāy آی‌سی‌سی را در اجرای قرارداد نیز برای خود محفوظ داشت.

۱۱۲ - هزینه‌های اضافی که مغان در رابطه با درختان میوه متحمل شد، تا اندازه‌ای (۱۰) قابل انتساب به آی‌سی‌سی است. ادعای آی‌سی‌سی در جلسه

(۱۰) عوامل چندی موجب محدودیت مسئولیت آی‌سی‌سی در مورد این هزینه‌ها می‌شوند. همانطور که در بند ۱۰.۱ بالا ملاحظه شد، مغان برخلاف برنامه زمانی مورد توافق، تا تاریخ سوم بهمن ماه ۱۳۵۶ [۲۳ ژانویه ۱۹۷۸] نه تعدادی از درختان، بلکه بیشتر آنها را کاشته بود. به علاوه، برای دیوان قابل درک نیست که چرا مغان علیرغم تauxir در طول مرحله راه‌اندازی پروژه اقدام به سفارش و وارد کردن ۶۵۰،۰۰۰ قلمه نمود. حسب ظاهر، خواندگان کلا "اظهار می‌دارند که قرارداد خرید قلمه‌ها قبلًا" با فروشندۀ فرانسوی بسته شده بود.

استماع دایر بر اینکه موضوع کاشت درختان ابتدا در زمستان سال ۱۳۵۷ به اطلاع وی رسید، با سوابق موجود تناقض دارد. برنامه زمانی کار که آقای گزین در ۳۰ شهریورماه ۱۳۵۶ [۲۱ سپتامبر ۱۹۷۷] آی‌سی‌سی را بدان تعهد کرد، ترتیب تکمیل قسمتهای پروژه را مقرر و نوع درخت و تاریخ تکمیل هر قسمت را دقیقاً مشخص کرده بود. استنباطی که حاصل می‌شود اینست که تا تاریخ ۳۰ شهریورماه ۱۳۵۶ [۲۱ سپتامبر ۱۹۷۷] آی‌سی‌سی از برنامه مغان برای کاشت درختان آگاه بوده و یا می‌باشد آگاه بوده باشد. آی‌سی‌سی در جلسه استماع مضافاً استدلال کرد که خواندگان ظاهراً می‌خواستند که درختان را حتی قبل از اینکه پروژه طبق برنامه زمانی تکمیل شود بکارند. لیکن، دیوان بر این نظر است که برنامه کاشت درخت با تاریخ مورد نظر برای اتمام کار منافات نداشته زیرا قرار بود پروژه قطعه به قطعه، طبق ترتیب تعیین شده در طرح زمانی تکمیل شود.

۱۱۳ - مشکلات مدیریت از ناحیه آی‌سی‌سی که موجب شد پروژه دچار فقد مدیریت و رهبری شود، مشکلات ناشی از تاخیرها را دوچندان کرد. شهادت ابرازی در جلسه استماع نشان می‌دهد که مدیران امریکایی آی‌سی‌سی غالباً از دفتر شرکت در تهران و یا از طریق آن دفتر عمل می‌کردند و در جریان عملیات روزانه قرار نداشتند. شرکت و دخالت مستقیم تر آنهم "در محل"، به احتمال فراوان بیشتر مفید به حال پروژه می‌بود. آقای گزین خاطرنشان ساخت که در فاصله ۲۶ اردیبهشت ماه الی ۱۳ خدادادمه ۱۳۵۷ [۱۶ مه الی سوم ژوئن ۱۹۷۸] که وی دست اندرکار سازماندهی گروههای کار در کارگاه پروژه بود "در عادات کار افراد بهبود زیادی حاصل شده و همچنین کار که تحت مراقبت و کنترل مهندس مقیم کارگاه بود، از لحاظ کیفیت و سازماندهی به حد رضایتبخشی رسیده است". همچنین، به طوری که در بند بعدی به اختصار آمده، آی‌سی‌سی چندین بار دستخوش تغییراتی در سطح مدیران کارگاه و تجدید سازمان پرسنلی بوده که این برداشت را به وجود می‌آورد که حداقل تا پایان نیمه اول سال ۱۹۷۸ مدیریت طرح آی‌سی‌سی فاقد یکپارچگی بوده و حالت

چاره‌اندیشی موقت داشته است.

۱۱۴- در ۱۱ مهرماه ۱۳۵۶ [سوم اکتبر ۱۹۷۷] آی‌سی‌سی آقای نشاط را به عنوان نماینده خود در اجرای پروژه معرفی کرد. در حوالی ۱۸ مهرماه ۱۳۵۶ [دهم اکتبر ۱۹۷۷] آقای لاری به عنوان کفیل (ریاست) آی‌سی‌سی معرفی شد. کارکنان اسرائیلی دستگاه نظارت تا یک سال بعد از آن سر کار نیامدند. در نامه مورخ ۱۷ آبانماه ۱۳۵۶ [هشتم نوامبر ۱۹۷۷] اختیارات آقای گرین تاعید گردید و در حوالی ژانویه ۱۹۷۸ گزارش شد که وی به دلایل شخصی در خارج از کشور است. در تاریخ ۱۶ دیماه ۱۳۵۶ [ششم ژانویه ۱۹۷۸] آقای بیرجنی و آقای توافقی برای کمک به آقای نشاط استخدام شدند. در ۱۷ بهمنماه ۱۳۵۶ [ششم فوریه ۱۹۷۸] آقای آذرپی "مجدداً" آقای لاری را به عنوان نماینده تام‌الاختیار معرفی نمود. در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۱۳ مه ۱۹۷۸] آقای گرین اعلام کرد که آی‌سی‌سی به خدمت آقایان توافقی و بیرجنی خاتمه داده است. وی همچنین اطلاع داد که آقای یاول "که اخیراً" از اسرائیل مراجعت کرده و با پروژه آشنایی قبلی دارد، در مغان شروع به کار کرده است. آقای گرین، مضافاً اعلام کرد که "مهندس طرح، پس از بررسی پروژه اقدامات لازم را برای تکمیل کادر مورد نیاز به عمل خواهد آورد." مهندسین ناظر در جایی اشاره کرده‌اند که آی‌سی‌سی قصد دارد "کلیه مدیران اجرایی فعلی در مغان و تهران را تغییر دهد." در ۱۳ خردادماه ۱۳۵۷ [سوم ژوئن ۱۹۷۸] آی‌سی‌سی آقای کاراکاش را به عنوان مدیر جدید پروژه و آقای یاول را به عنوان معاون او معرفی کرد. در ۱۵ خردادماه ۱۳۵۷ [پنجم ژوئن ۱۹۷۸] عده بیشتری مدیر و گروهی کارشناس معرفی شدند. در ۲۹ خردادماه ۱۳۵۷ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۸] آقای یاول به عنوان مدیر پروژه منصوب شد. توالی رویدادها به شرح فوق ایجاد تردید می‌کند که ساختار مدیریت آی‌سی‌سی قادر به پاسخگویی به مسئولیت آی‌سی‌سی در حسن اجرای قرارداد بوده باشد.

۱۱۵ - آقای دلاراتا در جلسه استماع اظهار داشت که عدم مهارت کافی کارگران و کارکنان محلی بود که موجب می‌شد آی‌سی‌سی ناچار به کسب کمک از خارج شود. این اظهار هر قدر هم که صحیح باشد، به نظر دیوان چنان ارتباطی به موضوع ندارد. همانطور که در ماده ۱۶ شرایط عمومی ذکر شده، آی‌سی‌سی طی قرارداد تاعیید کرده بود که "نسبت به امکان تأمین تعداد کافی کارگر ساده و متخصص" اطمینان حاصل کرده است. به علاوه، ماده ۱۷ "تأمین تعداد کافی کارگر ماهر و غیر ماهر [را] به عهده پیمانکار (آی‌سی‌سی)" گذاشته و وی را ملزم نموده "عملیات موضوع پیمان را... به وسیله کارگرانی که در کار خود تخصص و تجربه کافی دارند انجام دهد". این واقعیت که در همین ماده همچنین مقرر شده است که مغان حق دارد پانزده درصد کارگران را خود معرفی کند، از مسئولیت فایق آی‌سی‌سی در این زمینه نمی‌کاهد. علاوه بر این، چیزی در سوابق نیست که نشان دهد اکثراً کارگران معرفی شده توسط مغان بودند که مهارت نداشتند.

۱۱۶ - دیوان همچنین به این اذعان آی‌سی‌سی در قرارداد توجه دارد که وی "آب و هوا و نزولات جوی و موقعیت جغرافیایی محل... و امکانات اجرای عملیات در فصول مختلف را باتوجه به مدت اجرای کارها در نظر گرفته است." آی‌سی‌سی قبل از آنکه قرارداد را امضا کند می‌باشد به دلایلی ازجمله تعویق تاریخ مورد نظر برای راهاندازی پروژه از بهار به پاییز ۱۹۷۷ - رجوع شود به: بند ۱۰۰ بالا - در این تعهد تجدید نظر می‌کرد.

۱۱۷ - دیوان ملاحظه می‌کند که بدھیهای جاری تا تاریخ دهم دیماه ۱۳۵۸ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۹] که در ترازنامه منضم به اظهارنامه مالیاتی ۱۹۷۹ آی‌سی‌سی درج گردیده، شامل یک رقم ۳۲،۹۵۵،۸۲۲ ریال بابت پیش‌دريافتهاست. همچنین به طوری که در بند ۱۰۷ بالا اشاره شد، با محاسبه محافظه‌کارانه‌ای، به نظر می‌رسد هزینه‌های آی‌سی‌سی بابت قرارداد مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال از درآمد وی از

قرارداد فزونی داشته است. این کسری مبنای ادعا را تشکیل می‌دهد. لیکن، دیوان ملاحظه می‌نماید که کل مبلغ حسابهای دریافتی که آی‌سی‌سی در ترازنامه سال ۱۹۷۹ خود گزارش کرده در واقع کمتر از آن، یعنی ۳۱،۷۵۰،۱۳۸/- ریال می‌باشد. دیوان همچنین ملاحظه می‌نماید که خواهان در جلسه استماع اذعان کرد که مغان شاید در اوایل سال ۱۹۷۹ وجهی در رابطه با تعمیرات پرداخت کرده باشد. همچنین به طوری که از سوابق محرز است، مغان مصالحی به حساب آی‌سی‌سی تهیه کرده است. معلوم نیست که آیا اقلام مزبور از پرداختهای مغان به آی‌سی‌سی کسر شده است یا خیر.

(۳) - نتیجه‌گیریهای دیوان

۱۱۸ - تجزیه و تحلیل فوق دیوان را قادر می‌سازد که مبالغ قابل پرداخت بابت قرارداد را براساس نحوه اجرای قرارداد توسط طرفین تسمیم نماید. در این رابطه، یادآورد می‌شود که رویه معمول دیوان اینست که وقتی شرایط موجود با محاسبه یک رقم دقیق و مشخص ناسازگار است، دیوان ناگزیر است با اعمال اختیار خود مبلغ مربوط را منصفانه تعیین نماید. برای مثال رجوع شود به: حکم شماره ۳۱۴-۲۴-۱، بند ۳۳۹، مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷] در پرونده استارت هاووزینگ کورپوریشن و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در ۱۱۲,۲۲۱ C.T.R. ۱۶ Iran-U.S. حکم دیوان در پرونده اول لویت نیز مبین این رویه است.

۱۱۹ - دیوان معتقد است که مطالبات پیمانکار بابت کاری که انجام داده از یک طرف، و خسارات واردہ به مغان و مطالبات وی از طرف دیگر، کلاً متوازن است. نظر دیوان، به قید تصمیمهایی که در زیر اعلام می‌شود، اینست که آی‌سی‌سی بابت کاری که طبق قرارداد انجام داده ولی پولی بابت آن دریافت نکرده، [با احتساب

مطالبات مغان] مستحق دریافت وجهی نیست. با در نظر گرفتن شرایط قراردادی مربوط به اعتبارات اسنادی، دیوان همچنین بر این نظر است که اصول مندرج در بندهای ۷۴ الی ۷۶ بالا مستلزم آنست که موارد مطالبه از محل اعتبارات اسنادی که هنوز پابرجاست، مسترد و اعتبارات اسنادی مزبور آزاد گردند.

۱۲۰ - با اعلام این نظرات، تکلیف کلیه ادعاهای متقابل مطرح در دیوان، به استثنای ادعاهای متقابل مربوط به هزینه‌های انجام شده توسط دفتر خواهان در نیویورک و غرامت بابت ضبط ادعایی تجهیزات آی‌سی‌سی، تعیین می‌گردد. خواهان ضمن ارسال صورتی از حق‌الوکاله‌ها، هزینه‌های اداری و متفرقه، هزینه سفر و حواله‌های تلگرافی به ایران، ادعا می‌کند که "جمعاً" مبلغ ۷۱۹/۲۷، ۸۹۴، ۱۰۰ دلار بابت غرامت زبانهای آی‌سی‌سی در ایالات متحده قابل وصول است. در پرونده اول لویت دیوان حکمی بابت هزینه‌های مشابهی به نفع خواهان صادر کرد. رجوع شود به: حکم شماره ۲۹۷-۲۰۹۱، بند ۴۲ و بندهای بعد، در پرونده اول لویت، چاپ شده در

14 Iran-U.S. C.T.R. at 204 et seq.

۱۲۱ - صرفنظر از این واقعیت که مبنای حقوقی آن حکم متفاوت بوده، دیوان مبنایی برای صدور حکم به پرداخت غرامت بیشتری بابت هزینه‌های خواهان در ایالات متحده نمی‌یابد. در جلسه استماع خواهان توضیح داد که وی همانطور که در سایر پروژه‌های خارجی عمل کرده، یک "دفتر کامل خدماتی" در تهران، شامل منشیان، مهندسان و حسابداران، ایجاد کرده بود. این اظهار، از اعتبار ادعای خواهان در مورد هزینه‌های وی در ایالات متحده می‌کاهد. همچنانکه درخواستهای خواهان برای ارائه مدارک نشان می‌دهد، خواهان ظاهرًا" حتی یک نسخه از اسناد قرارداد را در دفتر خود در نیویورک نگهداری نمی‌کرد. خواهان توضیح داده است که

حواله‌های تلگرافی وی برای تأمین هزینه‌های آی‌سی‌سی در ایران بوده است. با توجه به یافته‌های دیگر دیوان، بدین ترتیب بازپرداخت جدایانه وجوه حواله شده منجر به غرامت مضاعف خواهد گردید.

۱۲۲ - بنا به اظهار خواهان، "خواندنگان کلیه تجهیزات و ماشین آلات آی‌سی‌سی، از جمله یک دستگاه کامل ماشین لوله سازی، یک دستگاه بیل مکانیکی (back holer)، چندین وسیله نقلیه چهار چرخ، مولدهای برق، موتورهای کوچک، یک اردوگاه کامل با چند تریلی، یک اتبار حاوی قطعات بدکی و هزاران متر لوله آبیاری را مصادره کردن." در جلسه استماع، آقای دلاراتا، راجع به پاره‌ای از این اقلام شهادت مشخص بیشتری ادا کرد.

۱۲۳ - دیوان ادله و مدارک قانع کننده‌ای در پرونده راجع به اقدامات سلب مالکیت موئر در اموال آی‌سی‌سی مشاهده نمی‌کند. لیکن، این امر مانع از آن نمی‌شود که دیوان وجود یا عدم وجود مسئولیت را بر مبنای دیگری بررسی نماید رجوع شود به: حکم شماره ۴۵۸-۱۱۲۸۶-۳، بند ۶۱، مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۶۸ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۹] در پرونده یونایتد بینتینگ کامپنی، اینک و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در ۱۱) 23 Iran-U.S. C.T.R. 351,369 خواندنگان اظهار داشته‌اند که "اگر پیمانکار اموالی داشته... در کارگاه تحویل داده و رسید دریافت کرده است." دیوان ملاحظه می‌نماید که در یک جدول بدون

(۱۱) دیوان همچنین نظر داد که شرایط فورس‌ماژور رایج در ایران در اوخر سال ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹ "... چنان بود که قصور خواهان در خارج کردن اموال... را نمی‌توان در حکم اعراض [ترک اموال] دانست." بند ۶۱، همان مأخذ، چاپ شده در ۲۳ Iran-U.S. C.T.R. at 371.

تاریخ از حسابداری مغان اشاره شده است به "اموال آن شرکت [آی‌سی‌سی] نزد ما..." که قرار بود قیمت آن به بستانکار حساب آی‌سی‌سی منظور شود. این مطلب موعد آن است که تجهیزاتی متعلق به آی‌سی‌سی در اختیار مغان قرار گرفته بوده است. در جلسه استماع خواندگان تصدیق کردند که پروژه آخرالامر به اتمام رسید و اکنون مورد بهره‌برداری است.

۱۲۴ - در چهارچوب اصول تسمیم که در بندهای ۷۶ الی ۷۶ بالا مقرر شد، منطقی است که بهای تجهیزاتی که در اختیار خواندگان است به آی‌سی‌سی مسترد شود. به طوری که در جدول فوق الذکر قید گردیده، مغان ارزش تجهیزات را $12,563,300/-$ ریال برآورد کرده است. خواهان اظهار نموده که در آن زمان اطلاع حاصل کرده بود که تجهیزات حداقل $40,000/-$ ریال ارزش دارد. دیوان ملاحظه می‌نماید که در جدول منضم به ترازنامه مورخ دهم دیماه ۱۳۵۸ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۹] آی‌سی‌سی، قیمت واقعی دارایی‌های ثابت (بعد از اصلاح بابت دارایی‌های فروخته شده) حدود $17,000/-$ ریال ذکر شده است.^(۱۲) با توجه به جمیع جهات، دیوان حکمی به مبلغ $214,285/71$ دلار معادل $15,000/-$ ریال بابت این ادعا، به اضافه بهره ساده متعلقه به نرخ ده درصد در سال از ۱۱ دیماه ۱۳۵۸ [اول ژانویه ۱۹۸۰] به نفع خواهان صادر می‌کنند.

پنج - هزینه‌ها

۱۲۵ - در تاریخ هفتم اسفندماه ۱۳۶۸ [۲۶ فوریه ۱۹۹۰] خواهان شهادتنامه‌ای ثبت کرده، طی آن اظهار داشت که تا ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۶۸ [۳۱ ژانویه ۱۹۹۰] وی در

(۱۲) به نرخ تبدیل ۷۰ ریال به ارز^۴ یک دلار.

رابطه با جریان دعوای حاضر حداقل $156,300/-$ دلار حق الوکاله پرداخته و حداقل $20,100/-$ دلار هزینه داشته است. نماینده رابط ایران طی اظهاریه مورخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۶۸ [هشتم مارس ۱۹۹۰] به ارزش اثباتی سوکننامه خواهان ایراد گرفت. در نهم فروردین ماه ۱۳۶۹ [۲۹ مارس ۱۹۹۰] خواهان شهادتنامه مکملی ثبت و طی آن، مبالغ $30,200/-$ دلار دیگر به علاوه $9,890/-$ دلار، به ترتیب بابت حق الوکاله و هزینه‌های انجام شده در فوریه ۱۹۹۰ مطالبه کرد. در ۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۹ [۱۸ آوریل ۱۹۹۰] مغان و وزارت کشاورزی ادعایی بابت حق الوکاله و سایر هزینه‌ها کلا" به مبلغ $197,227/-$ دلار تسليم کردند. در ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] بانک ملی ادعای مشابهی به مبلغ $63,000/-$ دلار ثبت کرد. بالاخره، در ۲۹ خدادادماه ۱۳۶۹ [۱۹ ژوئن ۱۹۹۰] مغان و وزارت کشاورزی از دیوان درخواست کردند که ادعای لویت را بابت حق الوکاله و هزینه‌ها مردود شمارد.

۱۲۶ - دیوان به منظور تعیین مبلغ مناسب حکم بابت هزینه‌ها، در پاره‌ای از موارد در کذشته، رفتار طرفین را در طول جریان داوری مورد توجه قرار داده است. رجوع شود به: حکم شماره ۱ - ب / ۶۹ - ۵۹ - ۲۴۷ صفحات ۵۶، مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۵ اوت ۱۹۸۶] در پرونده وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده امریکا و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R 33,36 ، و حکم شماره ۱۲۳-۱-۲۹-۴۹ در پرونده اینترنشنال اسکولز، چاپ شده در دستورات دیوان راجع به ارائه مدارک موجب ازدیاد هزینه‌های داوری به میزانی بالاتر از آنچه که در غیر این صورت ضروری می‌بود، شده است. رجوع شود به: بند ۶۴ بالا. دیوان مقتضی می‌داند بابت جبران هزینه‌های اضافی خواهان، مبلغ $60,000/-$ دلار به نفع وی حکم صادر نماید.

۱۲۷ - با توجه به نتیجه حکم و با اعمال ضوابط مندرج در حکم شماره ۱۸۰-۶۴-۱، صفحات ۴۱-۴۴ پرونده سیلوانیا، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 323-24، دیوان دلیلی نمی‌بیند که هزینه‌های دیگری بابت داوری به نفع هیچیک از طرفین مورد حکم قرار دهد.

شش - حکم

۱۲۸ - بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف - خوانده، شرکت سهامی کشت و صنعت و دامپروری مغان مکلف است مبلغ دویست و چهارده هزار و دویست و هشتاد و پنج دلار و ۷۱ سنت (برمبنای ۲۱۴،۲۸۵/۷۱ دلار) به اضافه بیمه ساده به نرخ ده درصد (۱۰%) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۶۸ [اول ژانویه ۱۹۸۰] الی تاریخی که کارگزار امنی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین بدهد، به ویلیام ج. لویت پردازد.

ب - خواندگان، وزارت کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران و شرکت سهامی کشت و صنعت و دامپروری مغان مکلفند مبلغ شصت هزار دلار (۶۰،۰۰۰/- دلار) بابت هزینه‌های داوری به ویلیام ج. لویت پردازند.

ج - تعهدات مندرج در بالا با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند هفت بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفا خواهند شد.

د - دیوان بدینویسیله مقرر می‌دارد که خواندگان، جمهوری اسلامی ایران، وزارت کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران، شرکت سهامی کشت و صنعت و دامپروری مغان و بانک ملی ایران کلیه اقدامات لازم را به عمل آورند تا بانک ملی ایران اعتبارنامه‌های استادی شماره ۷۰۰۸۵ و ۷۰۰۸۷ صادره توسط امریکن اکسپرس بنکینگ کورپوریشن را آزاد و ضمانتنامه‌های حسن انجام کار مربوط به آنها را فسخ نماید.

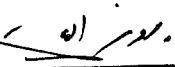
ه - کلیه ادعاهای متقابل دیگر مردود شناخته می‌شوند.

بدینویسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می‌شود.

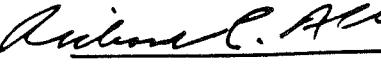
لاهه، به تاریخ ۴ آبانماه ۱۳۶۹ بواہر ما ۲۴ اکتبر ۱۹۹۱


گایتانو آرانجیو- روئیتس
رئیس شعبه سه

به نام خدا


علی اصغر انصاری معین

موفق با بخشی از حکم و
مخالف با بخشی دیگر


Richard C. Allen

ریچارد سی. آلیسون
موافق با بخشی از حکم و
مخالف با بخشی دیگر